

ارگان حزب ملت ایران

جنگ و پیروزی

این هیئت‌ها بر اساس نظم سیاسی حاکم بر جهان ملتها و در راستای سود ابرقدرتها و ریزه‌خواری خویش به میانجی‌گری می‌پردازند.

رفت و آمد این هیئت‌ها و نشست و برخاست با آنها زمان از کف می‌ریاید و شاید در اینجا و آنجا هم امیدی سوازی پیروزی در صحنه نبرد در برخی ذهن‌ها برانگیزد. باید همه سیاستگران و همه دولتمردان بدانند و براین دانسته استوار بایستند که در هنگامه پرخطر جهان کنونی، جز پایداری و دلیری جز جنگیدن و دشمن را سرکوفتن، هیچ راهی در برابر ملتها گشاده نیست. ایران هم باید بایستد و بجنگد و هر ذره خاک خود را از دشمن باز پس بگیرد و هر سودای خام را از ذهن برانگیزندگان آن ریشه‌کن سازد.

هر چه که پرخطر این جنگ، علاوه بر بسیاری ارزشها، افتخارهای تاریخی و انقلابی ایرانیان به ستیز خوانده شده، باید نگذارد که به این افتخارها کمترین آسیبی وارد آید.

بادشمن به گفتگو نشستن و یا میانجی پذیرفتن و بر شرایط صلح چانه زدن با خواسته‌های بنیادی مردم بهاخاسته ایران ناسازگار است.

باید چنان رفتار کرد تا بر حیثیت والای ملتی که دگرگون‌ساز سامان دلخواه سلطه‌گران جهانخواه بوده است هیچ خدشهای وارد نشود و تنها از راه پیروز شدن میتوان به چنین جایگاهی دست یافت.

ملت ایران زخمها برپیکر دارد و آسیب‌ها دیده بسیاری کشتزارها و کارگاهها و روستاها و شهرها و خانه‌ها ویران شده و دنباله یافتن جنگ، آسیب‌های تلخ‌تر بر ایران وارد می‌سازد.

اینهمه را نیک می‌دانیم و نیز به روشنی می‌بینیم که چه ویرانی‌ها و آوارگی‌ها و ناگواری‌ها در کمین است و لسی بازم ایران انقلابی برای بودن و آزاد بودن هیچ راهی جز جنگیدن و پیروز شدن ندارد. اگر در این هنگامه پاپس کشیده شود، اگر دشمنان در استواری اراده ملی تردید کنند، به تلاش خود خواهند افزود و گونه‌گون دسیسه‌ها خواهند پرداخت و ایران را در چنبره‌ی از حادثه‌ها سرگردان خواهند ساخت که آنگاه بیرون آمدن از آن درگیریها، زیانهای بیشتر دربر خواهد داشت و شاید هرگز شدنی نباشد.

باید استواری اراده خود را در پایداری میهن و افتخارهای تاریخی و انقلابی چنان بر همه دشمنان آشکار نمود که ناگزیر دست از ستیز و دسیسه بردارند و به خواسته‌های مردمی تن دردهند. جنگیدن علاوه بر شجاعت و ایثار، و به آگاهی‌های ویژه نیاز دارد. و پیروز شدن در جنگ در گرو...

سامان بخشی درست است و در این رهگذر باید هر اندیشه انحصارگری را از جایگاه فرماندهی دور کرد و همه استعدادها را به کار گرفت. رزمندگان از جان گذشته در جبهه‌های جنگ شورها به پا کرده و حماسه‌ها آفریدند و نیز در پشت جبهه همه مردم به ایثار ایستادند و باید که دامنه این شور و ایثار را گسترش داد. هر گفتار و هر کردار باید چنان باشد که شور و ایثار رزمندگان و مردم ایران را افزونی دهد و باید به یکبار همه سازمان اداری و قدرت اجرایی کشور را در خدمت جنگ بسیج کرد و همه را برای سرکوبی دشمن به کار گرفت.

روند کارها در اوایل هفته‌های سال گذشته چنان بود که از شور و ایثار مردم می‌کاست و رفت و آمد هیئت‌های میانجی هم این روند را مایه می‌داد.

باید با پایان دادن به هر شیوه تردید آفرین این روند را دگرگون ساخت و از نو شور و ایثار تازه پدید آورد. پریشانی‌ها و نارسایی‌ها در گردش کار نظام اداری و اقتصادی کشور وجود دارد که بر روند جنگ و براعتدالی شوق ملی لطمه می‌زند.

در کنار بسیج همه نیروهای نهفته ملت باید به نوسازی و کارآمدی نظام اداری و اقتصادی پرداخت که با دریغ بسیار اکنون به بیشترین ناتوانی دچار شده‌اند.

همه دست اندرکاران مسئولیت تاریخی بسزری در سرکوب ساختن دشمنی که این چنین گستاخانه بر ایران هجوم آورده است برعهده دارند و اجرایی این مسئولیت بزرگ اقتضا می‌کند که هر اندیشه دیگر جز پیروزی را از سر فرو نهند و همه نیروی خود را صرف جنگ کنند و از همه اینها بالاتر باید فرصت دهند تا همه استعدادها در دفاع از میهن به کار گرفته شود و اگر چیزی این میهن را کینند و بیهانه‌های گوناگون به پریشان داشتن توان ملی و در هم ریختن نظام اداری و اقتصادی ادامه دهند بر ایران و بر انقلاب ضربهای جبران ناشدنی زده‌اند.

اگر نیروی اهریمنی هجوم کننده به ایران به سختی سرکوب نشود مصیبت‌ها بر همه خواهد ریخت و بر دولتمردان و دست اندرکاران نیز، که ستودن این مصیبت‌ها به تلاش نسل‌ها نیاز خواهد داشت.

در سوگ الهیار صالح

واپسین بار دیده بودند، هیچیک باور نداشتند که برای همیشه با آنها بدرود گفته است!

الهیار صالح بر غم سکوت و صبوری از مدتی پیش سخت آزرده و نگران بود.

آزرده از روند تلخ زندگی ملی از نابخردی‌ها و کز رفتاریها و نگران از نافرجام ماندن «نبرد میهنی» راستی بدا بحال آنها که قدر پیران راه را نشناسند و قدم‌های استواری را که سالها دراز سنگلاخ پرخطر مبارزه را فداکارانه کوبیدند و هموار کردند از یاد ببرند و بدتر آنکه تازه از راه رسیدگانی با زشت‌گویی و زشت کرداری گمان ببرند می‌توان تاریخ را دگرگونه جلوه داد!!

الهیار صالح از انگشت شمار کسانی است که روزگاران فضیلت‌سوز را سرفرازانه گذراند و وعده‌های رنگارنگ، پای ارادهاش را بست نکرد.

صدای هیجان‌زده‌ی این سیاستگر برجسته هنگامی که در حوزه مسجد سجاد با خبرنگار رادیوتلوویزیون در صف همه پرسشی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گفتگو داشت، هنوز بر خاطر زنان و مردان

الهیار صالح در کنار مصدق در شورای امنیت

بیدار دل، نشسته است.

الهیار صالح که فروریختن نظام استبدادی وابسته به بیگانه و پیروزی انقلاب را شادمانه شکر گزار بود، امید داشت فضای ایران را انباشته از وفا و مهر و قدرشناسی ببیند.

دریغ آنها که بادمهرگان‌ها هرگز بر جانشان نوزید و نظم اهریمنی دستگاه پهلوی هیچگاه بر زندگیشان نتاخت مبارزان را پشت سر نهادند و ای کاش در این رهگذر به همین بسنده می‌شد!!

بگذریم... که الهیار صالح در گذشت.

یاد این مبارز دیرپا، این سیاستگر ملی، این آزاده‌ی رهبر کار همواره گرمی باد.

مردم السالوادور به پیش

گسترده‌ای به منظور توجیه حمایت همه جانبه خویش از دولت دست‌نشانده السالوادور، زده است.

فرستادن کارشناسان و مستشاران نظامی آمریکایی به السالوادور با مخالفت‌های شدیدی مواجه گردیده است به طوری که بر اساس یک آمارگیری حتی بیش از دو سوم مردم آمریکا از کمک‌های نظامی دولت ریگان به دولت دست‌نشانده السالوادور ناراضی می‌باشند.

در آغازهای سال نو مسیحی و به دنبال تهاجم گسترده چریکها که در جبهه آزادیبخش «فارا بانندو- مارتی» سازمان داده شده‌اند، دولت السالوادور با یکی از شدیدترین بحران‌های تاریخ این کشور روبرو گردید. به طوری که بسیاری از دهکده‌ها و شهرها به دست چریکها افتاد و رژیم با خطر سقوط روبرو شد، اما واکنش سریع آمریکا و سیل کمکهای نظامی این کشور به رژیم السالوادور باعث باز پس نشستن مبارزان گردید.

حال به نظر می‌رسد، با از سرگیری حمله‌های گسترده چریکها، دولت ریگان چاره‌ای جز فرستادن کارشناسان و راینژان نظامی به السالوادور نیافته است. گوئی امپریالیسم آمریکا پس از شکست افتضاح آمیز در نیکاراگوئه اکنون در صدد است با تمام نیروی خویش به نبرد با مردم به پاخاسته السالوادور بپردازد. فرستادن راینژان و

کارشناسان نظامی آمریکایی به السالوادور خاطره نبردهای رها بیخشی ملی در گوشه و کنار جهان را زنده می‌کند که به دنبال آن‌ها سربازان، هواپیماهای جنگی و ناوهای آمریکایی به سوی سرزمین‌های زیر سلطه رهسپار می‌شوند.

اکنون در السالوادور امپریالیسم آمریکا برغم درسهای تلخی که در دیگر کشورها آموخته بار دیگر شمشیر تیز می‌کند و در همین حال با تبلیغات گسترده سعی بر آن دارد که جنبش رهایی‌بخش ملی السالوادور را وابسته به بیگانگان معرفی کند.

دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا به همین منظور با سر و صدای بسیار اعلام نمودند، روسیه و کوبا از طریق نیکاراگوئه اسلحه و تجهیزات نظامی در اختیار چریک‌های السالوادور قرار می‌دهند.

امپریالیسم آمریکا برای جلب حمایت کشورهای اروپای غربی از سیاستی که در السالوادور پیش گرفته، گروهی از مقام‌های بلندپایه وزارت امور خارجه و سازمان جاسوسی خود را به این کشورها گسیل داشت تا خطر روسیه و کوبا را در آمریکای جنوبی گوشزد نمایند.

بعید نیست بخشی از گروه‌های چریکی که در وضع حاضر در حال نبرد با رژیم دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا در السالوادور می‌باشند، گرایشهای کمونیستی داشته باشند اما



به دنبال انتشار خبر درگذشت الهیار صالح، مبارز دیرپای نهضت ملی از کاشان سیدرضا آل یاسین که تخلص «همایون کاشانی» دارد بوسیله تلفن شعر زیر را برای آرمان ملت خواند که به درج آن مبادرت می‌گردد.

برون شد زمین خراب آباد صالح
بشد از بند غم آزاد صالح
مسلمان بود و با تقوا و پرهیز
مخالف با بد و بیداد صالح
سیه پوشید دانش در عزایش
که بد در علم و فن استاد صالح
به دور عمر از بیداد دولت
بسر آورد از جگر فریاد صالح
همه آزادگان را بود رهبر
نمود آن جمله را ارشاد صالح
دریغ خاک ایران از تو خالی
که بودی خصم استبداد، صالح
سقوط شهر سوسنگر بشنید
زاندوه وطن افتاد صالح
خجسته سال فوتش با صد افسوس
خرد گفتا «دریغ از داد صالح»

و پستهای نظامی را مورد حمله قرار می‌دهند

در این نبرد سخت و فرسایشی، مردم نقش عمده را بازی می‌کنند و با حمایت گسترده از چریکها چنان عرصه را تنگ کرده‌اند که کاربردستان این کشور اعلام نموده‌اند در صدد برنامه‌های اصلاحات اقتصادی و اصلاحات ارضی گسترده‌ای را به اجرا در آورند تا شاید از نارضایتی گروه‌های اجتماعی کم درآمد بکاهند.

از سوی دیگر جوخه‌های مرگ (جوخه‌هایی که توسط سرمایه‌داران بزرگ و نیروهای واپسگرا سازمان داده شده‌اند) با ایجاد جوخه‌فشان و وحشت در مبارزه با ملت‌گرایان به کمک دولت شتافتند.

بر اساس گزارشهای سازمان حقوق بشر السالوادور تنها در سال گذشته بیش از ده‌هزارتن توسط جوخه‌های مرگ به هلاکت رسیده‌اند و این در حالی است که دولت هرگونه ارتباط با این جوخه‌ها را منکر می‌شود.

با وجود تمامی این فشارها و سرکوبها مردم السالوادور به حمایت بی‌دریغ خود از چریکها ادامه می‌دهند و عملیات پارتیزانی هرروز ابهاماد گسترده‌تری می‌یابد.

با افزایش عملیات چریکها، هرروز مداخله مستقیم آمریکا در السالوادور نیز آشکارتر می‌گردد که بی‌شک مردم السالوادور را در نبردی خونین‌تر درگیر خواهد ساخت. اما همانگونه که تجربه‌های تاریخی نشان داده است امپریالیسم آمریکا در السالوادور، این سرزمین زیبای آمریکای لاتین، گور تازماری برای خود خواهد یافت.

بخش بزرگی از گروه‌های جنگنده چریکی السالوادور را مبارزان ملت‌گرا تشکیل می‌دهند.

در خود جبهه آزادی‌بخش «فارا بانندو- مارتی» نیز گذشته از ملت‌گرایان گروه‌های سیاسی گوناگونی از دمکراتهای مسیحی و سوسیال دمکرات‌ها گرفته تا کمونیستهای وابسته به روسیه دیده می‌شوند.

بنابر این هرگز نمی‌توان چریکهای استقلال طلب السالوادور را وابسته به بیگانه نامید و این شگرد امپریالیسم آمریکا است که هر جنبش رهایی‌بخش استقلال طلبانه و آزادیخواهانه را در رابطه با سوسیال امپریالیسم روسیه جلوه دهد.

پس از جنگ جهانی دوم بسیاری از نهضت‌های ملی و بخصوص انقلاب اسلامی ملت ایران و انقلاب مردم نیکاراگوئه ثابت کرد که می‌توان بر علیه امپریالیسم آمریکا قیام نمود و وابسته به بیگانه نبود.

با وجود تمام این هياهوها و جنگهای تبلیغاتی، در داخل السالوادور، نبرد چریکی با شدت ادامه دارد و پس از عدم حصول به پیروزی در جریان تهاجم گسترده آغاز سال نو مسیحی، اکنون چریکها بار دیگر با سازماندهی دوباره نیروهای خویش، پا به میدان نهاده‌اند.

اکنون، کوهستانها به مانند آشیانه شاهینهای بلندپرواز، به پایگاههایی قدرتمند برای چریکها تبدیل شده و این دل‌وران با تهاجم‌های بی‌درسی خود راه‌ها و خطوط مواصلاتی نیروهای رژیم دست‌نشانده را قطع نموده و گاه بی‌وقفه پادگانها

رشته‌های وابستگی استوارتر شد، حتی کار به مرحله‌ای رسید که رئیس جمهور در گزارش اقتصادی خود ناقوس خطر را به صدا درآورد و اعلام داشت. رشد تولیدات کشاورزی در سال ۱۳۵۸ نسبت به سال ۱۳۵۷ در حدود ۳/۵ درصد کاهش داشته و آنچه در مورد سال ۱۳۵۹ برآورد شده، این است که در این سال مسائل و مشکلات نسبت به سال ۱۳۵۸ بیشتر شده است و باخوش‌بینانه‌ترین برآوردها هیچ رشدی در تولیدات کشاورزی متصور نیست. لازم است در همین جابه‌آطلاع پرسد که تولیدات کشاورزی حدود ده الی دوازده درصد تولید ناخالص ملی کشور را تشکیل میدهد، در حالیکه بیش از نصف جمعیت کشور روستاگیان هستند و این رقم نشان دهنده درآمد بسیار پایین روستاگیان کشور است که به عنوان صاحبان عوامل تولید در بخش کشاورزی چنین سهم ناچیزی از درآمد ملی به آنان اختصاص دارد.!

دامداری نیز حدود کفا خواهیم بود، و همچنین اضافه نمودند که محصولات کشاورزی نسبت به سال ۱۳۵۷ بیش از سی درصد افزایش یافته است و بالاخره تا پنج سال دیگر ایران صادر کننده محصولات کشاورزی خواهد بود.

در حقیقت جای تاسف و نگرانی است که هنوز کاربدهای دولت در بخش کشاورزی ایران که مردم انتظار راستی از آنها دارند این چنین به روش‌های تبلیغاتی گذشته توسل جویند و نفرت مردم را برانگیزند و خود را رسوا نمایند.

باتوجه به بیان کشاورزی سال ۱۳۵۸ که به گفته رئیس جمهور رشد تولیدات آن نسبت به سال گذشته کاهش فاحشی را نشان می‌داد برای سال ۱۳۵۹ نیز همان اشتباهات را تکرار و بدون استفاده از نیروهای دارای تخصص و تجربه که به انقلاب اعتقاد دارند و برای رهائی کشاورزی حاضر به هرگونه تلاش می‌باشند با عملکردی نادرست‌تر از سال ۱۳۵۸ در سال ۱۳۵۹ فاجعه آفرینی کردند و بجای شناخت نیازها و برنامه‌ریزی درست عبارت‌هایی را در کنار یکدیگر قرار داده و چیزی بنام برنامه کشاورزی ارائه نمودند که در همان تاریخ در نامه آلمان ملت در شماره سی و هشتم تحت عنوان «شعار یابرنامه»، توجه مسئولان کشاورزی ایران را به نارسائی‌ها جلب و تذکر داده شد، که «بازسازی کشاورزی نیاز به برنامه ریزی سنجیده دارد و با آوازه گری کاری پیش نمی‌رود».

مصادف با همان نوشتار وزیر وقت کشاورزی در سوم دی ماه ۱۳۵۹ ضمن ارائه برنامه‌ای به نام برنامه کشاورزی اظهار داشت: «وضع کشاورزی سیر قهقرائی داشته و هر جا دست می‌گذاریم

خرابی دیده می‌شود و ما وارث یک وزارت خانهای هستیم که از بیخ و بن کارهای آن غیر اصولی و غیر مردمی و حتی ضد مردمی است و در همان زمان گوشزد شد باتوجه به اینکه نزدیک به دو سال از پیروزی انقلاب می‌گذرد و باتوجه به اظهارات، سومین وزیر دوران سازندگی انقلاب مشخص گردید که دو وزیر گذشته وزارت کشاورزی و عمران روستائی نه تنها در این مدت قدمی در راه بازسازی و زنده داشت کشاورزی ایران برداشته‌اند بلکه به ویرانی بیشتر آن نیز کمک کرده که وارث سوم چنین شکایتی را به طور رسمی در مصاحبه خود اعلام می‌دارد».

برای مردم جای تاسف است که چگونه بهترین فرصت‌های سازندگی نابود گردید و نه تنها قدمی در راه بهبود وضع کشاورزی ایران برداشته نشده بلکه کشاورزی در دو سال گذشته به گفته وزیر کنونی سیر قهقرائی نیز داشته است، تعجب‌آور است باتوجه به اظهارات فوق و شناخت خرابی‌ها کار بدست‌کنونی کشاورزی ایران، باز هم نتوانستند برنامه سازندگی ارائه دهند که جبران سستی‌های گذشته گردد و در این هفت ماه از کارنامه روشنی برخوردار نیستند و به گفته رئیس جمهور در سال ۱۳۵۹ با خوش‌بینانه‌ترین برآوردها هیچ

ندانم کاری بس است!!

رشدی را در تولیدات کشاورزی نمی‌توان داشت و نشانه‌های درماندگی کار بدستان کسوی بخوبی نمایان است و برنامه شعارگونه چهارده ماده‌ای ارائه شده نارسائی‌های بسیار دارد و قادر نخواهد بود که دردهای کشاورزی ایران را درمان و با افزایش تولید و عرضه آن گرانی و تورم سیاه را حسیف شود، صورتی که می‌بایستی پس از پیروزی انقلاب طرح‌های بنیادی برای بازسازی و سه‌سازی کشاورزی سوخته و نابود شده ایران در صد برنامه‌ها و کارهای حکومت‌ها قرار می‌گرفت!!

ناآگاهی و ناتوانی کاربدهای حل اساسی‌ترین دشواری کشاورزی ایران یعنی موضوع مهاجرت روستاگیان به شهرها حتی پس از پیروزی انقلاب باعث گردید که روستاها بیشتر خالی و روستاگیان تولید کننده به انسان‌های مصرف کننده تبدیل گردند. مردم، انتظار داشتند که با حل بنیادی این دشواری این جابجایی در جهت عکس گذشته انجام پذیرد و روستاگیانی که در اثر فشار زندگی و نداشتن زمین و آب و آنچه برای کاشت و داشت و برداشت ضروری است به شهرها روی آورده بودند به روستاهای خود بازگشت نمایند و واحدهای کوچک تولیدی روستائی رونق یابد و موجبات اشتغال به کار در روستاهای سراسر ایران فراهم گردد و جاذبه‌های جدید اقتصادی و اجتماعی و رفاهی در روستاها پدید آید و امکان‌های زندگی بهتر برای کشاورزان ایجاد گردد که آنان نیز از حداقل وسیله‌های رفاهی برخوردار شوند و همچنین سرنوشت نظام زمین‌داری با پیش‌بینی‌های بنیادی، تعیین گردد که روستائی بتوانند با دلگرمی

و علاقه به تولید بپردازند و به خصوص کوشیده شود که امنیت قضائی و در نتیجه امنیت شغلی برای تولید کنندگان و کشاورزان در سطح کشور مستقر گردد تا از مهاجرت به شهرها و خالی کردن باقیمانده روستاهای ایران جلوگیری به عمل آید و دست کسانی که به نام کشاورز زمین‌ها را به هر عنوان تصاحب نموده و یا از نهادی دریافت داشته‌اند کوتاه گردد، ولی با کمال تاسف باسیاست غیر مشخص کشاورزی و نابسامانی‌های نظام زمین‌داری و آبیاری و بخصوص با اعلام برنامه تهیه مسکن در روستاهای همگانی در سال ۱۳۵۸ که نوید داشتن خانه یا آپارتمان را در آینده نزدیک به عموم مردم می‌داد، روستاگیانی هم که در روستاهای کشور باقی مانده بودند روانه شهرهای بزرگ بخصوص تهران شدند و با ایجاد اطاقکی و یا برپا کردن چادری در اطراف شهر به صف متقاضیان مسکن پیوستند.

بطوریکه جمعیت تهران و شهرهای بزرگ و کوچک سرعت رشد نمود و با آنکه اعلام گردید رشد جمعیت تهران پس از انقلاب در حدود یک میلیون نفر بوده است ولی قریب‌های موجود بیش از رقم اعلام شده را نشان می‌دهد و هنوز هم با اینکه یک

نظر میرسد که تنها راه‌حل فقط برنامه‌ریزی درست و سنجیده اقتصادی در جهت افزایش تولید است که توازن اقتصادی را پدید خواهد آورد.

برای فصال کردن بخش کشاورزی و توانمندی آن دولت ناگزیر به سرمایه‌گذاری و حمایت از تولید کننده می‌باشد و بخصوص تولید کنندگان در بخش کشاورزی بایستی از طوفان واردات و از شگردهای دلالان و سلف‌خران حفظ گردند، زیرا در چند ساله اخیر جهت حمایت از تولید کنندگان بخش صنعتی به ظاهر ورود کالاهای مشابه که در داخل کشور تولید می‌شود یا مسود گردیده و یا با برقراری حقوق گمرکی و سود بازرگانی قدرت رقابت از آنان سلب شده است، و بی‌شک در جهت حفظ و سلامت اقتصاد ملی اجرای چنین برنامه‌هایی ضروری می‌باشد ولی در مورد فرآورده‌های کشاورزی چنین برنامه‌ای اجرا نشده است و در بسیاری از موارد کار بدستان کنونی سیاستی مشابه سیاست نظام گذشته را به کار گرفته و با عملکرد خود باعث بی‌ثباتی

فرهنگی و دینی تشکیل دهد بی‌آنکه نیاز به تحصیل پروانه رسمی داشته باشد» و در ماده‌های دو و سه آن نیز ذکر گردیده که تشکیل این گونه سازمانها باید به دولت اطلاع داده شود و بوسیله «شخصیت حقوقی» به ثبت برسند و در ماده چهار این طرح تصریح شده «تشکیلات موضوع این قانون باید در نشریات، اجتماعات و فعالیتهای دیگر خود از هر نوع کار که ناقص استقلال، آزادی‌های مشروع دیگران، وحدت ملی موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی و مصالح کشوری باشد خودداری کنند و در صورت ارتکاب، مرتکب مجازات و طبق مقررات تعقیب و مجازات میشود و در ماده پنجم آن پیش‌بینی گردیده در صورتیکه دادگاه تشخیص دهد که فعالیت تشکیلاتی یک گروه منشاء تکرار تخلفات... است آنرا غیرقانونی اعلام و از فعالیت آن بطور کلی میتوان نتیجه گرفت که طرح شورایی عالی قضائی تا اندازه زیادی بامیزانهای قانون اساسی سازگار است بخصوص که رسیدگی به جرم‌های احتمالی و همچنین غیرقانونی اعلام کردن و جلوگیری از فعالیت هرگونه سازمان فرهنگی، دینی و سیاسی را به دادگاههای صلاحیتدار واگذار کرده است.

ولی روشن نیست که چرا این طرح برای شکل قانونی یافتن مورد بررسی قرار نگرفت و به جای آن در نشستهای روز دوازدهم و سیزدهم اسفند ماه ۱۳۵۹ مجلس شورا یکی از طرح‌هایی که از سوی نمایندگان تهیه گردیده بود و دارای بیست ماده می‌باشد به بحث گذارده شد و کلیات آن با ۱۲۹ رای موافق و ۴۱ رای مخالف و ۱۲ رای ممتنع به تصویب رسید در حالیکه با اصل ۲۷ قانون اساسی در تناقض آشکار است.

اصل بیست و شش قانون اساسی صراحت دارد که واحزاب، جمعیتها، انجمن‌های

تولید در بخش کشاورزی میگردند، و به عنوان نمونه میتوان عملکرد وزارت کشاورزی و عمران روستائی را در مورد وارد کردن مواد اولیه خوراک دام و طیور ذکر نمود که با این عمل سالیانه هزاران تن مواد اولیه مزبور را وارد و با در اختیار گذاردن به دامداران و مرغداران با نرخ کمتر از نرخ تولیدات داخلی و فرآورده‌های تهیه شده در داخل کشور بطور غیرمستقیم محدودیتهایی در جهت تشویق کشاورزان به تولید علوفه و غذای دام و طیور به عمل می‌آورد، در صورتیکه این وزارتخانه و بخصوص صندوق عمران مراتع که وارد کننده این مواد میباشد خود وظیفه دارد که مراتع کشور را احیاء و تهیه علوفه و خوراک دام و طیور را با در اختیار گذاردن اعتبارات لازم و کمک‌های فنی حمایت و تولید کنندگان را تشویق نماید، و بدینوسیله کشور را از ورود این ماده‌های ضروری بی‌نیاز ساخته و در راه تحقق یکی از هدفهای انقلاب اسلامی ملت ایران که رسیدن به خودبسندگی سببی باشد قدم بردارد.

نگاهی گذر ابر تلاشی ناروا

سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند و هیچکس را نمیتوان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت».

در اصل اصل آزادی فعالیت‌های سیاسی بدون هیچگونه حصری بارعامت پنج شرط به رسمیت شناخته شده و همه افراد این سرزمین برای نیل به آرمانهای خود و دخالت در سرنوشت ملی از حقوق لازم برخوردار گردیدند.

اصل ۲۶ قانون اساسی چنان روشن و بدون ابهام تدوین گردیده که نیازی به تفسیر و تفسیر ندارد و حتی قانونگذار در اینجا برخلاف پارامی دیگر از اصلهای قانون اساسی که حدود و نحوه اجرای آنها را موقوف به وضع قانون خاص کرده چنین تأکیدی را ضروری ندانسته است. اما طرح بیست ماده‌ای که در مجلس مورد بحث و کلیات آن به تصویب رسیده، کمیسیون مرکب از هفت عضو (۱- نماینده دادستان کل ۲- یک نفر از کمیسیون امور داخلی مجلس شورا ۳- نماینده وزارت کشور ۴- نماینده وزارت ارشاد ملی ۵- نماینده دفتر هم‌آهنگی اطلاعات وابسته به نخست‌وزیری ۶- یک نفر حقوقدان با معرفت حقوقدانان شورای نگهبان ۷- یک نفر مجتهد با معرفت فقهای شورای نگهبان) را عهده‌دار تشخیص و تصویب صلاحیت «گروهها» و صدور «پروانه» برای آنها شناخته و این کمیسیون است که میتواند حقوق تصریح شده در اصل ۲۶ قانون اساسی را به گروهی اعطا یا از آن سلب کند و حتی بر طبق ماده ۱۵ این طرح کمیسیون مزبور حق دارد در صورت بروز تغییراتی در امرنامه یا اساسنامه یا هیئت رهبری هر «گروه» اجازه قبلی بقیه در صحنه ششم

آرگان حزب ملت ایران

قلمفرسائی سازمان بر نامه و بودجه!

این پاسخ به راستی بر اندوه و نگرانی نسبت به سرنوشت کشور مافزاید هر امید و اعتماد به توانایی کار بدستان را به شدت آسیب میرساند و به روشنی از درماندگی حکایت می کند.

این پاسخ، ارزشهای اخلاقی و اداری را که باید در این گونه گفتگوها محترم شناخته شود به بازی و مسخره گرفته است و قصه های تازه در پریشانی نظام اداری کشور آغاز می کند، و بی اعتنائی به حقیقت را تا مرزهای باور نکردنی گسترش می دهد.

این پاسخ، واژه ها و عبارتهای زبان فارسی را به گونه ای رساننده و نقل دهنده اندیشه و آگاهی از اعتبار ساقط می سازد و همه وظیفه های نظام اداری و همه سرنوشت کشور را در لابه لای عبارتهای بی حاصل به بازی می گیرد.

آنچه در عنوان نوشتار آرمان ملت آمده بود که «بازی با سرنوشت کشور کافی است» به راستی به پاسخکوئی گرفته شده و در پاسخی که نوشته اند به بانگ بلند اعلام می کنند که خیر، هنوز بازی با سرنوشت کشور کافی نشده است و هنوز جا دارد که باز هم به این بازی تردآور ادامه دهند، در پاسخی که فرستاده اند با ناتوانی غریبی اعلام می دارد که بازی با سرنوشت کشور برای ایشان یک گونه سرگرمی است و در اجرای این سرگرمی عبارتهای و واژه ها هم ابزار کارند و این ابزارها را هم به هر صورت می توان به کار گرفت.

بازی کردن با بودجه کل کشور و به هم برافتن چند عبارت نامفهوم در باره آن چنان به روانی صورت گرفته است که گوئی برای آرام ساختن کودکان قصه می گویند.

خیر آقایان، چنانکه پنداشتهاید نیست، مردم و یا دست کم، بخش بزرگی از مردم، آگاهی های بسیار یافته اند و میان تپی بودن واژه های شما را به آسانی در می یابند، و مردم از شما قدرت تصمیم و عمل می خواهند، شما در برابر تاریخ و اجتماع ایران مسئولیت بررگ دارید و باید این مسئولیت را به اجرا بگذارید، و با ردیف کردن واژه های فرسوده، مسئولیت شما از میان نمی رود.

از پاسخی که بر این نوشتار فرستاده شده است، چنان برمی آید که دیگر، توانائی ردیف کردن عبارتهای و واژه ها را هم از دست داده اند.

راستی چنان کارشان به بی سامانی کشیده که دیگر هیچ واژه ای قادر به پوشانیدن آن نیست. برای آنکه پریشانی پاسخ سازمان بر نامه و بودجه آشکار گردد، بهتر است به متن آن پرداخت.

در نامه نوشته اند «از طرف آن روزنامه چنین استنباط شده بود که دولت نتوانسته است سالانه را قبل از پایان سال ۱۳۵۹ تهیه و تنظیم نماید و براساس این استنباط نادرست ضمن قلمفرسائی در سرمقاله خود، دولت را به باد انتقادات غیرمنصفانه گرفته است.»

اگر به متن آن نوشتار دقت می کردند عبارتی را که نوشته شده درست و بی کم و کاست می خواندند، چنین پاسخی نمی نوشتند.

در سطرهای نهم و دهم نوشتار مورد پاسخ، چنین آمده است «ارگانهای اجرائی کشور هم نتوانستند بودجه را برای تسلیم به قوه مقننه آماده کنند.» و در سطر سی و نهم نوشتار چنین آمده است «تنظیم و تهیه بودجه و تسلیم آن به قوه مقننه یکی از اصلی ترین وظیفه های دولت است.»

این عبارتها چندان روشن است که جای هیچ ابهامی بر هیچکس باقی نمی گذارد و چنین معنی می دهد که دولت باید بودجه کل کشور را تهیه و تنظیم و به قوه مقننه تسلیم کند و به درستی چنین نکرده و در انجام این وظیفه سنگین خود درمانده و نتوانسته است بودجه کل کشور را پیش از پایان سال به قوه مقننه تسلیم کند.

گفتگو، درباره سازمان بر نامه و بودجه و یا بخشنامه «جناب آقای نخست وزیر» و یا «تلاش مشترک کلیه وزارتخانه ها و سازمان های دولتی» نبوده است گفتگو درباره «دولت» بوده است.

این وظیفه «دولت» است که بودجه کل کشور را به هنگام به قوه مقننه تسلیم کند که آشکارا در اجرای این وظیفه قانونی خود ناتوان آمده است. سازمان بر نامه و بودجه در مقام رد آنچه نوشته شده است چنین «قلمفرسائی» می کند «لایحه بودجه سال ۱۳۶۰ براساس بخشنامه قبلی...»

آماده و در اوائل هفته چهارم اسفندماه ۱۳۵۹ به هیئت دولت تسلیم شده است که پس از بررسی و تصویب هیئت وزیران به مجلس شورای اسلامی تقدیم می گردد. آیا این پاسخ حقیقت نهفته در آن نوشتار را نمی کند؟ آیا معنای دیگر این نوشته چنین نیست که «لایحه بودجه سال ۱۳۶۰ تا آن هنگام از بررسی و تصویب هیئت وزیران نگذشته

آنچه سازمان بر نامه و بودجه در نامه خود آورده در حقیقت کوششی است برای نشان دادن دست آوردهای خود، و نه برای روشن کردن مورد گفتگو.

سازمان بر نامه و بودجه، در لابلای عبارتهای پاسخ خود، خواسته است این موضوع را به آگاهی برساند که بودجه سال ۱۳۶۰ را تهیه و تنظیم و به مقام مسئول برتر خود که هیئت دولت است فرستاده و اگر رسیدگی و تصویب لایحه بودجه در آن هیئت به دیری کشیده، گناه از سازمان بر نامه نیست. بر این نوشته سازمان بر نامه و بودجه، دو ایراد اساسی وارد می باشد:

شماره ۱۵۱۱۷-۳

تاریخ ۲۹/۱۲/۲۸

پوست



جمهوری اسلامی ایران
بازماندگان و پادشاهان

بسمه تعالی

اداره روزنامه آرمان ملت

تلف به سرمقاله مندرج در صفحه اول روزنامه آرمان ملت شماره ۴۸ مورخ سه شنبه ۲۶ اسفند ماه ۱۳۵۹ موارد زیر با اطلاع میرسد:

در سرمقاله مندرج در روزنامه کیهان مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۲۱ از زبان آقای نخست وزیر مبنی بر «ضعیف بودن احتمال تصویب بودجه قبل از رسیدن سال جدید و لزوم تصویب لایحه ای برای هزینه های جاری و عمرانی ماههای فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۶۰ از طرف آن روزنامه چنین استنباط شده بود که دولت نتوانسته است سالانه را قبل از پایان سال ۱۳۵۹ تهیه و تنظیم نماید و براساس این استنباط نادرست ضمن قلمفرسائی در سرمقاله خود، دولت را به باد انتقادات غیرمنصفانه گرفته است. در حالیکه لایحه بودجه سال ۱۳۶۰ براساس بخشنامه قبلی جناب آقای نخست وزیر با تلاش مشترک کلیه وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی و شرکتها و دولتی و موسسات انتظامی وابسته به دولت و نهادهای انقلابی و موسساتی که تمام یا قسمتی از هزینه های آنها از محل درآمد عمومی تامین میشود توسط سازمان بر نامه و بودجه آورده و در اوایل هفته چهارم اسفندماه ۱۳۵۹ به هیئت دولت تسلیم شده است که پس از بررسی و تصویب هیئت وزیران به مجلس شورای اسلامی تقدیم میگردد.

بدیهی است که تصویب بودجه در مجلس شورای اسلامی مستلزم صرف وقت بمنظور بررسیهای اساسی و جنبه توسط نمایندگان است. ترم است و در این فاصله برنامه ها و فعالیتهای دولتی و غیردولتی و به توجیه آن برداشتهای لازم میتوان متوقف نمود. لذا تصویب لایحه بودجه در صورت تمام شدن است. این استنباط نادرست و غیربازتاب دهنده بود که در صورتیکه قبل از رسیدن سال جدید اشاره به تصویب بودجه در مجلس شورای اسلامی است نه آماده شدن آن توسط دولت لازم به تذکر است که بودجه سال ۱۳۶۰ در مقایسه با سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ علیرغم گرفتاریهای ناشی از محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی زودتر از موعد همیشگی آماده گردیده است که پس از تصویب هیئت وزیران تا دهم فروردین ماه سال ۱۳۶۰ تقدیم مجلس شورای اسلامی خواهد شد.

اینکه این سؤال مطرح است که آن روزنامه که خود را «آرمان ملت» مینامد چرا به آرمانهای ملت که همانا خواسته های امت و مومنان است بر تقویت و مباحداقل تضعیف نمودن دولت است احترام نمیگذارد و با برداشتهای ناصواب شخصی با گروهی حویش به دولت برخاسته از ملت آنهم در این مقطع حساس از انقلاب، اهانت میکند.

خبر آنست که طبق قانون مطبوعات و برای روشن شدن از همان عمومی دستبردارند. توضیحات فوق در همان صفحه روزنامه آرمان ملت وادمان حروف به چاپ میرسد.

روابط عمومی سازمان بر نامه و بودجه

روابط عمومی سازمان بر نامه و بودجه

روابط عمومی سازمان بر نامه و بودجه

روابط عمومی سازمان بر نامه و بودجه

روابط عمومی سازمان بر نامه و بودجه

روابط عمومی سازمان بر نامه و بودجه

روابط عمومی سازمان بر نامه و بودجه

روابط عمومی سازمان بر نامه و بودجه

روابط عمومی سازمان بر نامه و بودجه

روابط عمومی سازمان بر نامه و بودجه

روابط عمومی سازمان بر نامه و بودجه

روابط عمومی سازمان بر نامه و بودجه

یکی آنکه محور گفتگوی نوشتار آرمان ملت، سازمان بر نامه و بودجه نبوده و بلکه کل «دولت» بوده است و دولت مجموعه ای است از همه ارگانهای اجرائی و سازمان بر نامه و بودجه نمی تواند خود را ارگانی مستقل از دولت قلمداد کند.

این سازمان و هر سازمان و وزارتخانه دیگر، در ارتباط سازنده و شمربخش یا یکدیگر باید وظیفه های خود را به انجام رسانند و آنچه به عنوان کار «دولت» مورد رسیدگی و گفتگو قرار می گیرد، همان نتیجه ای است که از ترکیب کار همه سازمانها و وزارتخانه ها حاصل می شود.

اگر یک سازمان درست و دقیق کار بکند و سایر سازمانها در همگامی با آن، سرعت و دقت کافی و لازم به کار نگیرند و در نتیجه حاصل کار چنانکه بایسته است، به هنگام و به شایستگی پدید نیاید، باز هم گناه بر گردن «دولت» است.

هر سازمان یا هر وزارتخانه در جمع مؤسسه های پدید آورنده دولت، یعنی در برابر همکاران خود می تواند از سرعت و دقت خود سخن بگوید. ولی در برابر مردم باید نتیجه کار را اعلام کنند، و ارگانی هم که باید این نتیجه را اعلام دارد، کل دولت است.

در زمینه مورد گفتگو، نتیجه کار همان می باشد که در آن نوشتار آمده یعنی دولت نتوانسته است به هنگام بودجه کل کشور را تهیه و تنظیم و به قوه مقننه تسلیم کند و فرستادن بودجه از سازمان بر نامه بودجه به هیئت وزیران درستی و راستی این گفته را از میان بر نمی دارد.

این اصل چندان روشن و چندان ابتدائی است که ناآگاهی کار بدستان از آن حیرت آور می باشد. مردم قدرت اجرائی را به دست یک «دولت» می سپارند و از آن هم نتیجه ای روشن و قابل لمس می خواهند و به چگونگی روابط ارگانهای دولتی با یکدیگر کاری ندارند.

مردم با دولت رو بسرو هستند و از دولت مسئولیت می خواهند و تهیه و تنظیم بودجه کل کشور را هم از دولت می خواهند.

مردم به روشنی در می یابند که دولت نتوانسته است بودجه کل کشور را به هنگام تهیه و تنظیم و به قوه مقننه تسلیم کند و حال کدام ارگان یا ارگانهای اجرائی در پدید آوردن این نارسائی دخالت و اثر داشته اند، موضوعی است مربوط به خود دولتمردان و بس.

درگیریها و گرفتاریهای خود را با یکدیگر به مردم گزارش ندهید بلکه نتیجه کار خود را گزارش کنید. و اگر از کار شما نتیجه ای حاصل نیامده است، این را هم با روشنی اعلام دارید و اگر شما از اعلام این نتیجه غفلت ورزید، مردم به اعلام آن خواهند پرداخت و براساس این اصل، اینک به روشنی بار دیگر جمله ای که در سطر نهم و دهم آن نوشتار آمده بود تکرار می شود «ارگانهای اجرائی کشور هنوز نتوانستند بودجه را برای تسلیم به قوه مقننه آماده کنند.» و این اعلام بسیار درست و بسیار بجا است.

ایراد دوم بر آنچه سازمان بر نامه و بودجه به دفاع از خود نوشته این است که لایحه بودجه را باید بسیار زودتر از «اوائل هفته چهارم اسفند» به هیئت وزیران ارسال کرده باشد.

رسیدگی و تصویب بودجه کل کشور در هیئت وزیران، یکی از اساسی ترین و دقیق ترین وظیفه های دولت است و دولت برای اجرای این وظیفه باید وقت و فرصت کافی در اختیار داشته باشد.

رسیدن لایحه بودجه در «اوائل هفته چهارم اسفند» به هیئت وزیران، خواه و ناخواه به معنای آن است که بودجه به هنگام به قوه مقننه تسلیم نشود، هیئت وزیران به طور طبیعی برای رسیدگی به کار بودجه به چند هفته وقت نیاز دارد.

برسازمان بر نامه و بودجه است که بودجه را دست کم سه ماه پیش از پایان سال به هیئت وزیران بفرستد تا این هیئت بتواند با رسیدگی لازم، بودجه را به هنگام تصویب و برای اخذ تصمیم نهائی به قوه مقننه تسلیم دارد.

سازمان بر نامه و بودجه در مقام دفاع از خود، و در مقام برشمردن دستاوردهای خود، به گناه بزرگ خویش اعتراف می کند.

سازمان بر نامه و بودجه، بسا به نوشته روشن خود، بودجه را دیر و بسیار دیر به هیئت وزیران فرستاده است و به اندازه ای در این کار سستی کرده که هیئت وزیران نتوانسته است آن را به هنگام رسیدگی کند و سپس برای پوشانیدن، این نارسائی بزرگ خود به حمله و تهمت بر نامه آرمان ملت پرداخته و «استنباط نادرست» سخن به میان آورده است.

در حالی که «استنباطی» در میان نبوده و فقط

ارگان حزب ملت ایران

در جهان ملتها چه میگذرد

کمکهای خارجی به لهستان

دولت آمریکا در نظر دارد، کمکهایی به لهستان بسماید. به همین منظور بازپرداخت وام دو و نیم میلیارد دلاری آمریکا به این کشور به تعویق افتاده و همچنین قرار است مقدار زیادی مواد غذایی به لهستان فرستاده شود. در همین حال نخست‌وزیر لهستان به منظور درخواست کمکهای مالی و غذایی بیشتر وارد پاریس شد تا مذاکراتی با والری ژیسکار استن رئیس جمهور فرانسه انجام دهد. همچنین قرار است نخست‌وزیر لهستان برای انجام مذاکرات با مقامهای آمریکایی به واشنگتن سفر کند.

نژادگرایی انگیزه جنایت

نژادگرایان آمریکایی در شهر «موبیل» واقع در ایالت «آلاباما» آمریکا یک دانشجوی نوزده ساله سیاه‌پوست را به طرز فجیعی به هلاکت رساندند. براساس گزارش‌های رسیده مقامهای آمریکایی کوشیدند این جنایت را پنهان نگاه دارند اما در پی تلاش‌های مبارزان سیاه‌پوست آمریکایی این اقدام زشت نژادگرایان فاش شد.

اعتصاب کارگران معدن در آمریکا

گزارشهای رسیده نشان میدهد که بیش از یکصد و شصت هزار تن از کارگران معدن در آمریکا دست به اعتصاب نامحدودی زده و خواهان افزایش دستمزد خود شده‌اند.

در این میان یک مقام وزارت انرژی آمریکا اعلام کرد، هنوز روشن نیست این اعتصاب چه مدت ادامه خواهد یافت.

به نظر می‌رسد در صورت طولانی شدن اعتصاب کارگران معدن آمریکا خسارات هنگفتی بر صنایع این کشور وارد شود.

دیدار پنهانی سادات و قذافی

«منصوره سعید» سردبیر هفته‌نامه اکتر چاپ قاهره نوشت «انور سادات در ماه فوریه گذشته با قذافی رئیس جمهور لیبی در پاریس مذاکراتی انجام داده است.» به نوشته هفته‌نامه اکتر در این دیدار پنهانی، قذافی پیشنهادهایی مبنی بر گشایش دوباره مرز مشترک مصر و لیبی و همچنین فروش هواپیماها، تانک‌ها و توپخانه روسی ارتش مصر به لیبی را ارائه داده است. بر پایه این گزارش، دیدار رئیس جمهور مصر با قذافی در پی سفر سادات به لوگزامبورگ و شرکت وی در پارلمان اروپا، انجام گرفته است.

به آتش کشیده شدن تصویرریگان در هند

حدود پانصدتن از هواداران حزب کنگره هند که رهبری آن را خانم «ایسندیرا گاندی» نخست‌وزیر هند برعهده دارد، طی تظاهراتی در برابر کنسولگری آمریکا در کلکته، به افزایش کمک‌های نظامی آمریکا به پاکستان به شدت اعتراض کردند.

در این تظاهرات، هواداران حزب کنگره هند تصویرهای رونالد ریگان و الکساندر هیگ را به آتش کشیدند و همچنین طی یادداشتی که تسلیم کنسولگری آمریکا کردند، خواستار قطع فوری تجارت اسلحه به منظور حفظ صلح شدند.

پیشنهاد استفاده از تحریم نفتی

کمیته دائمی سازمان وحدت آفریقا که مسئول اعمال مجازات‌های اقتصادی است، خواستار تحریم همه‌جانبه نفتی دولت نژادگرای آفریقای جنوبی گردید.

به گفته رئیس این کمیته، با اعمال تحریم نفتی علیه آفریقای جنوبی می‌بایست این کشور را برای ایجاد یک دولت آزاد در نامیبیا تحت فشار قرار داد.

تاکنون دولت نژادگرای آفریقای جنوبی با سرسختی تمام در برابر فشارهای سازمانهای بین‌المللی برای استقلال نامیبیا ایستادگی کرده است.

هرگز تصور نکنید، با به راه انداختن جنگ اعصاب و یسا با زمینسازی برای سرکوب کردن هر انتقاد، به قوی ساختن دولت می‌رسید.

تا زمانی که دولت، خواه این دولت و خواه هر دولت دیگر، در اداره کشور و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، از خود آگاهی توانائی شایسته نشان ندهد، نامه آرمان ملت همچنان به انتقاد از آن خواهد پرداخت. و هیچ تردید ندارد که از طریق این انتقادات، ضعف‌های دولت‌ها را به آنان یادآوری می‌کند تا آنان بتوانند نارسائی‌های خود را دریابند و بر آن غلبه کنند و دست از کساری که صلاحیت انجام آن را ندارند، بکشند.

قوی ساختن دولت‌ها از راه پنهان کردن ضعف‌های ایشان فراهم نمی‌آید و صفحه تاصفحه تاریخ روزگاران آموزنده استواری این باور است. اگر تکی چند از کار بدستان قدرت اجرای وظیفه خود را نداشته باشند می‌باید بی‌درنگ جای خود را به کسانی توانا و آگاه بسپارند و سر نوشت یک ملت را نمی‌توان در گرو نشستن چند درمانده برصندلی ریاست قرار داد و این نظر درست، به ویژه، در «این مقطع حساس از انقلاب» باید دقیق‌تر و جدی‌تر به کار گرفته شود.

در این مقطع حساس از انقلاب نباید کشور را بدون برنامه و بدون بودجه رها کرد و در این شرایط، ناشایستگی را بر هیچ دولتمردی نمی‌توان بخشید و باتوسل جستن به حساس بودن وضع نباید ندانم کاری را مشروع و مباح اعلام داشت.

از «برداشت‌های ناصواب شخصی یا گروهی» ما سخن به میان آورده‌اید و ندانسته‌اید که اگر برداشتی نشانگر واقعیت باشد بسیار ارجمند است. برداشت‌های نویسندگان آرمان ملت همواره برصواب بوده است و جز پیشرفت کشور و بهروزی مردم سوداگی دسر نداشته‌اند و به رهنمون خواست‌های بزرگ و انسانی خویش، از هر برداشت خلاف واقع درامان می‌مانند.

برداشت ناصواب آن است که از «ضعیف بودن احتمالی تصویب بودجه» سخن به میان آورند و حال آنکه بودجه‌ای برای تصویب به قوه مقننه تسلیم نشده باشد.

در پایان نامه سازمان برنامه و بودجه، خواسته شده است تا «طبق قانون مطبوعات و برای روشن شدن اذهان عمومی» پاسخ رسیده به چاپ رسد. خوب است نویسندگان نامه باور آورند که «اذهان عمومی» بسیار روشن است و برداشت صواب و ناصواب را به درستی تشخیص می‌دهد و آنان که می‌پندارند «اذهان عمومی» روشن نیست برداشتی سخت ناصواب دارند.

این «اذهان عمومی» همان است که سال‌ها و سال‌ها آوازه‌گری‌های ناروا نتوانست برروشنی آن لکهای بیفکند.

اذهان عمومی روشن است و ناآگاهی و ناتوانی کاربدستان کنونی کشور را به آشکارا دریافته‌اند و با ردیف کردن چند واژه فرسوده و میان تهی فریب نخواهد خورد و از افشگری باز نخواهد ایستاد.

ملت ایران در تکاپوی ساختن آرمانهایی بلند و انسانی است و بی‌گمان در اجرای این آرزو پیروز خواهد بود. و هر مانع یا در این راه از میان برخواهد داشت.

باید با نظم و کسار و سازمان دهی درست، برنارساتی‌های گذشته غلبه کرد؟ پاسخ به این پرسش‌ها هم برعهده نویسندگان نامه گذارده می‌شود.

ادعای دیگر آقایان این است که «تادهم فروردین ماه سال ۱۳۶۰ بودجه کل کشور به مجلس شورای اسلامی تقدیم خواهد شد» بی‌هیچ تردید خود آقایان بهتر از هر کس آگاهی دارند که پیش بینی یازمان بندی ایشان به حقیقت نیویسته، و نه تادهم بلکه تا هیجدهم فروردین هم از بودجه کل کشور خبری نشده است.

سازمان برنامه و بودجه که نتوانسته است لایحه بودجه سال ۱۳۶۰ را به هنگام تهیه و تسلیم کند، ناگزیر به جنگ اعصاب دست می‌زند و چنین ادامه می‌دهد «اینک این سؤال مطرح است که آن روزنامه که خود را آرمان ملت می‌نامد چرا به آرمانهای ملت که همانا خواسته‌های امت و رهنمودهای امام مبنی بر تقویت و یاحداقل تضعیف نمودن دولت است احترام نمی‌گذارد و با برداشت‌های ناصواب شخصی یا گروهی خویش به دولت برخاسته از ملت آن هم در این مقطع حساس از انقلاب اهانت می‌کند.»

این عبارتها، جز به راه انداختن جنگ اعصاب و یا از حد خود بیرون گذاشتن به چه چیز دیگری نمی‌تواند تعبیر شود.

نویسندگان نامه عنوان کرده‌اند «اینک این سؤال مطرح است» در حالی که چنین «سوالی مطرح» نبوده، بلکه آنها به طرح چنین سؤال پرداخته‌اند و ندانسته‌اند که سازمان برنامه و بودجه برای رسیدگی به راه و روش روزنامه‌ها پدید نیامده، بلکه مسئولیت تهیه و تنظیم و عرضه بودجه و برنامه کشور را برعهده دارد.

طرح پرسش برای روشن کردن شیوه کار روزنامه‌ها در مسئولیت ارگان‌های دیگری است. ولی از آنجا که نامه آرمان ملت به شیوه کار خود اطمینان دارد به پرسشی که طرح کرده‌اند پاسخ می‌دهد.

آقایان! نامه آرمان ملت، در راه اجرای آرمانهای ملت تلاش می‌کند و یکی از اصلی‌ترین آرمانهای ملت، داشتن بودجه و برنامه درست و سنجیده و به هنگام است، که بدون داشتن چنین بودجه و برنامه‌ای اداره کردن کشور با دشواریها و پریشانی‌ها روبرو خواهد شد.

کار تهیه و عرضه بودجه، همچنانکه پیشتر گفته شد یکی از اساسی‌ترین وظیفه‌های دولت است و اجرای هر فعالیت جاری و هر برنامه عمرانی به داشتن بودجه درست و به هنگام وابسته است.

کار تهیه و عرضه بودجه کشور یک کار فرعی یا پیش‌یا افتاده نیست و اگر در این کار سستی روی دهد، در همه زمینه‌ها و همه کارها اثر می‌کند و توجه خاص مردم به بودجه کل کشور نیز از همین اصل سرچشمه می‌گیرد و آرمان ملت ایران نیز، بی‌هیچ تردید، در همین راستا است.

از «تقویت یا لاقل تضعیف نمودن دولت» سخن به میان آورده‌اید ولی ندانسته‌اید که بهترین راه برای تقویت دولت، سرعت و استواری دولت در اجرای وظیفه‌هایش می‌باشد.

تقویت دولت در بستن دهان‌ها و شکستن قلمها و فروگرفتن واقعیت‌ها نیست بلکه با پذیرفتن سباسبزارانه هر ایراد منطقی و کوشش در رفع آن پدید می‌آید.

در کار نبوده فقط و فقط، در ماندگی شما این ضرورت را بوجود آورده است.

شما بودجه را به هنگام به قوه مقننه تسلیم نکرداید و در نتیجه خطری «مستوقف» شدن پرداخت‌ها را پدید آورده‌اید و سپس برای غلبه بر خطری که فقط و فقط ناشی از بی‌توجهی خود شما است به تهیه لایحه (دو دوازدهم) پرداخته‌اید. آقایان! قانون اساسی کشور درباره بودجه چه می‌گوید و مگر شما خود را به اجرای قانون اساسی مکلف نمی‌دانید.

در نوشتار آرمان ملت، متن اصل پنج‌جایه دوم قانون اساسی درباره بودجه نقل گردیده و از شما خواسته می‌شود که یکبار دیگر آن را بخوانید تا دریابید که قانون اساسی مقرر داشته که «بودجه سالانه کل کشور..... از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای ملی تسلیم می‌گردد.»

قانون اساسی کشور به شما اجازه تهیه لایحه (دو دوازدهم) را نداده است و به صراحت وظیفه شما را در این زمینه تعیین کرده ولی شما نتوانسته‌اید، مسئولیت خود را به انجام برسانید و اینک از «ضرورت تمام» «تصویب لایحه (دو دوازدهم)» سخن به میان می‌آورد در صورتی که اگر شما به هنگام وظیفه خود را انجام داده بودید، هرگز چنین ضرورتی پدید نمی‌آمد.

در کار فروماندن، و نظام اداری و مالی کشور را به خطر توقف پرداخت‌ها کشانیدن، با «ضرورت تام» تفاوت دارد و بکار گرفتن این عبارت برای توضیح آنچه رخ داده است، سخت ناروا می‌باشد.

سازمان برنامه و بودجه در ادامه نوشته خود چنین می‌آورد. «منظور آقای نخست‌وزیر از ضعیف بودن احتمالی تصویب بودجه قبل از رسیدن سال جدید اشاره به تصویب بودجه در مجلس شورای اسلامی است نه آماده شدن آن توسط دولت.»

ای دریغ که باز باید تکرار کرد که شما بودجه‌ای به قوه مقننه نداده‌اید تا از «ضعیف بودن احتمال تصویب آن» سخن به میان آورید.

نویسندگان «پاسخ نامه» چنین ادامه داده‌اند «لازم به تذکر است که بودجه سال ۱۳۶۰ در مقایسه با سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ علی‌رغم گرفتاری‌هایی ناشی از محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی زودتر از موعد همیشگی آماده گردیده است که پس از تصویب هیئت وزیران تادهم فروردین ماه سال ۱۳۶۰ تقدیم مجلس شورای اسلامی خواهد شد.»

داوری درباره این ادعای سازمان برنامه و بودجه، برعهده نامه آرمان ملت نیست و کاربدستان کشور در آن زمان باید به این ادعا پاسخ دهند ولی یادآوری دونکته را لازم می‌بیند، یکی اینکه در دو سال مورد اشاره، مجلس شورا هنوز تشکیل نشده بود و تصویب کردن بودجه کل کشور «مستلزم صرف وقت به منظور بررسی‌های همه جانبه توسط نمایندگان محترم» نبود و دیگر اینکه چنین ادعائی هیچ امتیازی برای هیچکس و هیچ سازمانی به شمار نمی‌رود.

اگر در یک زمان بنا به هر سبب اجرای وظیفه یک ارگان به درنگ و دیری کشیده شود، آیا این درنگ و دیری می‌تواند توجه کننده برنارساتی بعدی باشد! و آیا برنارساتی احتمالی گذشته رامی‌توان دلیلی بر ادامه دادن نارسائی‌ها تلقی کرد؟ یا اینکه

یک حقیقت واقع بیان شده است و در این میان سازمان برنامه و بودجه به طور مستقیم مسئولیت دارد و به جای اعتراف به مسئولیت و ناسامانی وضع خود می‌خواهد با «قلمفرسائی» آشکار گردیدن این مسئولیت را مانع شود، که البته میسر نیست.

سازمان برنامه و بودجه در ادامه «قلمفرسائی» خود چنین می‌نگارد. «پدیده‌ای است که تصویب بودجه در مجلس شورای اسلامی مستلزم صرف وقت به منظور بررسی‌های همه جانبه توسط نمایندگان محترم است و در این فاصله برنامه‌ها و فعالیت‌های اجرائی به تبع آن پرداخته نمی‌توان متوقف نمود.»

شگفتا و شگفتا که از گمانهای اجرائی دولت، ضعف‌های خویش را به گونه‌ای سندی بر دفاع و توجیه خویش به کار می‌برند و شگفتا که می‌پندارند بر همه ذهنها خاک مرده پاشیده شده و در هیچ ذهنی قدرت اندیشه‌های باقی نمانده است. آقایان! راست است که «تصویب بودجه در مجلس شورای اسلامی مستلزم صرف وقت به منظور بررسی‌های همه جانبه توسط نمایندگان محترم است» ولی این شما هستید که باید بودجه را مدتی پیش از پایان سال به قوه مقننه تسلیم کنید تا «نمایندگان محترم» فرصت «بررسی‌های همه جانبه» را داشته باشند.

آقایان! شما که بودجه کل کشور را در هنگام خود به «مجلس شورای اسلامی» تسلیم نکرداید، چگونه انتظار دارید تا «نمایندگان محترم» «بررسی‌های همه جانبه خود را» شروع کنند.

اگر شما دوماه پیش از پایان سال به قوه مقننه تسلیم کرده بودید، آن وقت جا داشت که از نمایندگان خواسته شود با تشکیل جلسه‌های پی‌در پی و صبح و عصر کار رسیدگی بودجه را پی‌گیری کنند به گونه‌ای که پیش از پایان یافتن سال، بودجه کل کشور از تصویب نهائی گذشته باشد.

آقایان! چرا نارسائی کار خود را به حساب دیگران منظور می‌دارید و این چه شیوه پاسخگوئی و این چه راه اداره کردن کشور است.

شما هیچ بودجه‌ای به مجلس نداده‌اید و آنگاه اعلام می‌دارید که «تصویب بودجه در مجلس مستلزم صرف وقت است.» و اگر چنین مطلبی را می‌دانستید چرا لایحه بودجه را در «اوایل هفته چهارم اسفند» به هیئت وزیران فرستادید.

آقایان! شما کدام تقویم زمانی را برای تهیه و تنظیم و تسلیم بودجه به قوه مقننه برابر داشته‌اید که بدینگونه عمل کرده‌اید و چرا به ناآگاهی و ناتوانی این چنین آشکار خود اذعان نمی‌کنید و چرا بی‌بهره این واژه‌های عاری از مفهوم را در دنبال یکدیگر ردیف می‌سازید.

شما نوشته‌اید «در این فاصله برنامه‌ها و فعالیت‌های اجرائی و به تبع آن پرداخت‌ها را نمی‌توان متوقف نمود.» «مگر» برنامه‌ها و فعالیت‌های اجرائی «نباید در قالب بودجه گنجانیده شود، و مگر اجرای این وظیفه برعهده دولت و به خصوص برعهده سازمان برنامه و بودجه نیست، پس چرا این وظیفه خود را به هنگام انجام نداده‌اید و اینک در برابر قصور فراوانی که مرتکب شده‌اید، چه کسی جز خود را گناهکار می‌شناسید.

سازمان برنامه و بودجه در ادامه نوشته خود چنین می‌افزاید «لذا تصویب لایحه (دو دوازدهم) ضرورت تام داشته است» خیر آقایان به هیچوجه چنین چیزی نیست و به هیچ‌چیزی چنین ضرورتی

ارگان حزب ملت ایران

بدرود با مبارز در آشنا



ابراهیم کریم آبادی بهنگام سخنرانی در میدان بهارستان در میتینگ سیام تیرماه ۱۳۳۲

امکان در احقاق حق آنان مجاهده نمائیم و نگذاریم بیش از این دچار مقدمات ناروا و نردبام ترقیات این وان شوند.

و بدینسان نامش در جرگه‌ی روزنامه‌نگاران ملی و مبارز در دفتر تاریخ ایران رقم خورد. نقش او در تحمّن نمایندگان اقلیت مجلس روزنامه‌نگاران در زمان حکومت رزم آرا بخاطر برجیده شدن بساط سیاه سانسور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در جریان همین تحمّن بود که روزنامه‌نگاران در طوماری با خون خود آزادی را خواستار شدند.

نگاهی گذرا به آرشو روزنامه اصناف گویای این حقیقت آشکار است که کریم آبادی در سخت‌ترین روزگاران، در تنگناهای تاریخی و در بحبوحه‌های سرنوشت‌آستوار و سرسخت و بدون تردید مبارزه را ادامه داد و یاران راه را تنها نگذاشت. در نخستین سال نخست‌وزیری مصدق، به بازسازی مزار مهرزاده عشقی شاعر آزاده پرداخت.

روزنامه اصناف در تمامی دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق شجاعانه به بررسی رویدادها و ورشوگری پرداخت. آخرین شماره‌ی روزنامه اصناف شبه بیست و چهارم مردادماه ۱۳۳۲ انتشار یافت که در بخشی از سرمقاله‌ی آن که به قلم خود کریم آبادی می‌باشد چنین آمده است «آقای آیزنهاور فرمانروم

کودکی به حقیقت‌هایی آشنا کرد که بسیاری بزرگترها و بزرگترها نیز از شناخت آن ناتوان بودند. هشت ساله بود که «پیک پدر و مدرس» شد و برای برنیانگیختن سوه ظن پلیس به لباس طلبگی در می‌آمد و نام‌ها را زیر عبا و عمامه پنهان نموده و از خانه‌ی مدرس به خانه‌ی بهار و از خانه‌ی بهار به سرای سید حسن زعیم و از آنجا به خانه‌ی تهرانیان که همه اقلیت آنروز مجلس را تشکیل می‌دادند می‌برد.

پیک خرد سال و شجاع از انجام هیچ وظیفه‌ای هر قدر سنگین و خطرناک سر باز نبرد و پسر پراستی دانست که فرزندش همان خواهد شد که آرزو میکرد. هر بار که پدر به زندان می‌رفت پر شمار وظیفه‌های او افزوده می‌شد در جریان به خاک سپاری مهرزاده‌ی عشقی شاعر انقلابی، بار دیگر پدر به زندان کشیده شد و ایرویدادها که با دلهره و ترس همراه بود هر یک درسی شد برای زندگی راستین برای شروع مبارزه ملی. در این میان تحصیل دانش نیز فراموش نگردد و ابراهیم کریم آبادی به سال ۱۳۲۱ از دانشکده حقوق و علوم سیاسی درجه لیسانس گرفت. ولی هرگز به شغل‌های دولتی رو ننمود و مدتی به وکالت دادگستری پرداخت که آهیم بیشتر به داور در محدوده‌ی کار پدر و حل دشواریهای صنف قهوه‌چی گذشت.



سر کلیشه نخستین شماره روزنامه اصناف به تاریخ شبه ۱۲ مردادماه ۱۳۲۸

ملی ایران را که منجر به راندن روپهان و سگان از خانه ملت شد قانونی نمی‌دانند اما دخالت انگلستان و ایادی آنها را در امور ایران قانونی و دنیاسپند می‌شناسند.....

آمریکا آوای چند دزد و خائن مخالف آزادی این ملت را می‌شنود اما صدای حق طلبانه میلیونها نفر دردمند دیگر را نمی‌تواند حس کند.....

ایرانی اگر بنا بود تسلیم اراده دیگران شود امروز کارش به این جا نمی‌کشید که انگلیس‌ها را به آن افتضاح تاریخی از سرزمین خود براند و این حقیقتی است که هم فرشته آزادی آمریکا و هم چرچیل پرمدها به آن معترفند منتها به این آرزو نشسته‌اند که شاید وطن فروخته‌ها کاری بکنند و این بار کج استعمار و بندسازی دوباره به منزل برسد اما هیئات، آقای آیزنهاور این ره که تو می‌روی به ترکستان است.

آنها که سال‌های سیاه دیکتاتوری را پس از کودتای ننگین بیست و هشتم مرداد به خاطر می‌آورند، هرگز از یاد نمی‌برند که در میدان بهارستان محل صنف قهوه‌چی برآستی پایگاه آزادگان بود.

چهاردهای قهوه‌چی تهران که چون و چند زندگی کریم آبادی را خوب می‌شناختند در هنگامه‌های مبارزه از هیچ کمکی

دریغ نداشتند و با آنکه دستگاه استبداد وابسته به بیگانه بارها به این سرای امن یورش برده و آسمیها رسانده بود، هرگز نگذاشتند چراغ گرمی بخش آن فروغخت.

ابراهیم کریم آبادی در تمامی سال‌های سلطه‌ی استبداد وابسته به استعمار از مبارزه علیه حکومت ملت ایران نامزد نمایندگی گردید که با دریغ فراوان با تخلفها و تقلبها و حاکمیت جو انحصارگری روبرو شد.

ابراهیم کریم آبادی اثر بیماری سرطان دستگاه گوارش بدنبال چند بار جراحی روز بیست و نهم اسفندماه ۱۳۵۹ چشم از جهان فرو بست.

واپسین یادگار قلمی که از این مبارز خستگی‌ناپذیر برجای مانده است نشانه‌ای از احترام بی‌پایان به قهرمانان ملی می‌باشد.

کریم آبادی همواره در سالروز مرگ مصدق بر مزار پیشوای در گذشته خود حضور می‌یافت چنان از فرط بیماری ضعیف شده بود که روز چهاردهم اسفند سال گذشته نتوانست به سیمادگاه هرساله برود ولی نوشته‌ای که عین آن چاپ میشود گواه آنستکه برآستی روحش به گرد مزار پیشوا پرواز می‌کرده و آرزوی دیندار احمدآباد در دلش پیر می‌کشیده است.

در طول سالهای دراز ابراهیم کریم آبادی همواره هوادار حزب ملت ایران بود و دوستی او بویژه

کریم آبادی نه تنها از مبارزان سرسخت نهضت ملی‌شدن صنعت برای ایجاد نهضت مقاومت ملی در سالهای ۱۳۳۹ و ۱۳۵۶ در بازسازی جبهه ملی بیگونه‌ی سازمان اداره کننده نهضت ملی ایران از هیچ کوششی فرو گذار



سر کلیشه واپسین شماره روزنامه اصناف به تاریخ شبه ۲۴ مردادماه ۱۳۳۲

با داریوش فروهر دبیر حزب، در همه فراز و نشیبها ارزش خاصی به این هواداری می‌داد. در بیشتر گرد هم‌آیی‌های حزب چهره‌ی خندان این یار صمیمی به چشم می‌خورد و حتی در بستر بیماری از قدردانی و تشویق نویسندگان آرمان ملت دریغ نمی‌ورزید. یاد این یار همه روزگاران فضیلت سوز گرامی باد و روان پاکش شاد.

«مرد تاریخ»

امروز چهاردهم اسفندماه ۱۳۵۹ صداقت با ماندگردد که شست دکتر حمید صدق در چهاردهم اسفند ۱۳۵۵ ایستاد دکتر مصدق از جمله ستارگان تاریخ ایران در تاریخ است در آلمان ایران در طول تاریخ ستارگانی که شنیده‌اند که او از همه روشتر و نورانی تر است.

مرد جبر - خواجه کلاک آنگل، خواجه نصیر طوسی و امام محمد باقر، بزرگ آتقی خان امیر کبیر و دکتر مصدق که شکست زمان او را دیگر نتواند بر سر برود و با این نیرو در دهن بیام احمد آنگل برید کردن در گذر است در زمان مجید کار برده شد. در دانش‌سرای عالی باک.

نوشتاری از ابراهیم کریم آبادی در واپسین روزهای زندگی

بقیه از صفحه سوم نگاهی گذرا

و گروهی که نتوانسته بطور قانونی و آشکار به کوشش پردازد به کارهای زیرزمینی و غیر قانونی کشیده می‌شود.

از این‌ها گذشته هر نظام ارزشی حزبی نیز برای کارهای د رونی و بیرونی خود شیوه خاصی دارد و میان ارزشهایی که اعلام میگردند و ارزشهایی که عمل میشوند، همواره فاصله‌ای وجود دارد و حزبها در تدوین برنامه و اساسنامه کوشش میکنند تا تعارضی با قانون‌های حاکم بر جامعه نداشته باشند و در همین جاست که راه پیش داورى بسته می‌شود و باید درانتظار ماند تا عملکردها روشن شود و سپس به داورى نشست.

به حزبها و سازمان‌های سیاسی و هرگونه انجمن دیگر برطبق قانون اساسی بدون هیچ حصری باید اجازه فعالیت داد و اگر در عمل دچار لغزش شدند از دادگاه صلاحیتدار انحلال آنان راخواستار شد.

باتوجه به آنچه گوشزد گردید و با عنایت به پیامهای اخیر رهبر انقلاب، امید است که نمایندگان مجلس به عنوان اولین گام مثبت خود در اجرای قانون اساسی و پاسداری از دست آوردهای انقلاب با استرداد «طرح قانونی فعالیت احزاب و جمعیتها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده» نشان دهند که دارای حسن نیت می‌باشند در نگهداشت «همبستگی ملی» کوشا.

خود را لغو نماید و در ماده ۱۷ آن دامنه اختیار کمیسیون به جانی کشیده که بنا برخواست دولت

اعلام انحلال «گروه» را بنمایند و تنها در ماده بیست این طرح تشکیل دادگاه خاصی جهت رسیدگی به دعاوی هر «گروه» از تصمیم‌های «کمیسیون» پیش‌بینی شده است.

بررسی حدود حقوق و وظایف این «کمیسیون» بخوبی روشن می‌سازد که به یک نهاد همه اختیارات یک دادگاه اختصاصی تفویض گردیده است.

ترکیب ویژه این «کمیسیون» چنان است که نیمی از اعضای آن به وسیله دولت برگزیده می‌شوند و چون در تبصره دوم ماده ده تصریح شده «جلسات کمیسیون با حضور دوسوم اعضا رسمیت یافته و تصمیمات آن با اکثریت مطلق مجموع اعضای کمیسیون معتبر خواهد بود» هرگاه دولت احساس کند گروهی با ادامگی کارش توافق ندارد با اشارهای به کمیسیون بطور موقت یا برای همیشه از فعالیت آن جلوگیری خواهد کرد و بی شک سرانجام چنین روندی به نابودی آزادیهای فردی و اجتماعی می‌انجامد و زمینه ایجاد حکومت خودکامه را فراهم می‌سازد.

باید توجه داشت وضع قانون‌هایی که جلوگیری فعالیت ازادانه حزبها و سازمان‌های سیاسی را در پی آورد، جامعه را به بی‌نیایی سوق خواهد داد

آگهی رسمی نوبت اول

پیرو آگهی انحلال در روزنامه رسمی شماره ۱۰۳۶۱ مورخ ۵۹/۶/۳۱ شرکت پارس تولیسا با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۲۹۰۱۱ در اجرای ماده ۲۲۵ لایحه قسمتی از قانون تجارت از کلیه بستانگران دعوت میشود ظرف ۶ ماه از اولین آگهی بنشانی مدیر تصفیه مراجعه نمایند والا اقدام قانونی معمول میشود. مدیر تصفیه ۳-۳

آرمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

دارنده امتیاز: امیر سلیمان عظیمی

زیر نظر شورای نویسندگان

خیابان سیه‌دقربی خیابان سهند شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷ شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی شماره ۳

صندوق پستی ۱۱۵۷-۲۱۴

ارگان حزب ملت ایران

داوری با مردم است

دادستانی انقلاب، علاوه بر ده نشریه‌ای که قبلاً از انتشار آنها جلوگیری به عمل آمده بود در نشریه دیگر را نیز ظرف چند روز اخیر ممنوع‌الانتشار کرد که در نتیجه در حال حاضر جمعا بیست نشریه در تهران و شهرستانها ممنوع‌الانتشار هستند. «وی در مورد علت تعطیل و جلوگیری از انتشار این نشریات گفت که آنها به علت نداشتن پروانه انتشار یا نارسائی‌هایی که در کار آنها وجود داشت تعطیل و توقیف گشتند.»

شنیدن خبر تعطیل و توقیف روزنامه و نشریه همواره و در هر حال برای همه مردم آزاده ناگوار می‌باشد و به گونه‌ی طبیعی، پدید آمدن چنین رویدادی در متن انقلاب اسلامی ملت ایران بسیار ناگوارتر است، زیرا یکی از اساسی‌ترین امیدهای این انقلاب برقرار داشتن آزادی نوشتار و گفتار بوده و درهم شکستن این آزادی‌ها ضربهای تلخ و دردناک بر بیکر انقلاب است.

حساسیتی که مقام‌های اداری و اجرائی کشور نسبت به نوشتارهای روزنامه‌ها نشان می‌دهند، و تلاشی که در راستای محدود داشتن آزادی نوشتار و گفتار به جا می‌آورند، پدیده‌های است زیمانبار و به راستی نگران‌آور.

گونه‌گونی روزنامه‌ها و نشریه‌ها در رشد فرهنگ جامعه و نشان دادن اندازه درستی باورها و اندیشه‌ها و همچنین در پاکیزه و کارآمد داشتن نظام‌های اداری و اجرائی اثر فراوان دارد هر روزنامه و هر نشریه به گونه‌ی یک نگرنده تیزبین است که ناروایی‌ها را درمی‌یابد و به زدودن آنها می‌ایستد.

ستیز با روزنامه‌ها و نشریه‌ها، در ذهن‌های مردمان این باور را می‌نشانند که نظام حکومتی کشور از درستی خود اطمینان ندارد و به همین مناسبت از نوشته‌ها و گفته‌ها برآشفته می‌شود و به واکنش برمی‌خیزد. بی‌گفتگو برخی از نوشتارها یا خبرهای روزنامه‌ها، ارزش و اعتبار چندانی ندارد و شاید هم شماری از آنان به غرض و سودجویی یا جانب‌گیری بی‌منطق آغشته باشد ولی ارزش و سودمندی نوشتارها و خبرهای درست آنقدر بزرگ است که به آسانی زیان حاصله از نوشتارهای نامناسب را می‌پوشاند.

از سوی دیگر نظام حکومتی نباید خود را داور نهائی اندیشه‌ها و گزارش‌های روزنامه‌ها و نشریه‌ها بشناسد و بجاست که داوری نهائی در این کار برعهده افکار عمومی بداند.

نظام حکومتی باید با اعتماد و اطمینان به هوشمندی مردم از هر نوشته یا گفته‌ای به وحشت نیفتد، زیرا مردم کشور در شرایط کنونی از چنان آگاهی‌ها و توانائی‌های ذهنی برخوردارند که گفتار و نوشتار درست را از نادرست به آسانی تمیز می‌دهند و به گونه‌ی طبیعی هر برداشت نادرست به کناری می‌نهند و برداشت درست را گرامی می‌دارند.

حکومت باید از فرو رفتن در جلد داور، نهائی اندیشه‌ها به پرهیزد و به انجام رسانیدن این خواسته را به مردم واگذارد. مردم به گونه‌ی طبیعی و در بستر زمان از روزنامه‌ها و نشریه‌های کم‌مایه یا نادرست روی برمی‌گردانند و این روی گردانی سنگین‌ترین کفیری است که بر هر روزنامه یا نشریه می‌توان بار کرد.

توقیف یا تعطیل روزنامه‌ها، به وسیله حکومت هیچ حاصلی به بار نخواهد آورد و در ذهن‌های مردم این باور را پدید می‌آورد که شاید در آن نشریه یا روزنامه، سخنی درست و راست ولی نه در راستای سود دستگاه حکومتی آمده است و از این رو نسبت به نوشتار روزنامه‌های تعطیل و توقیف شده التفات بیشتری نشان می‌دهند.

از این‌ها گذشته، آزادی نوشتار و گفتار یکی از ارغ‌ها و افتخارهای هر جامعه و هر حکومت آزاده است و به بهانه‌های گوناگون به ستیزه با روزنامه‌ها و نشریه‌ها برخاستن و هر چند گاهی یک بار گریبان نویسنده یا روزنامه‌ای را گرفتن به آنجا می‌رسد که قدر و ارج نظام حکومتی را در معرض پرش‌های فراوان قرار می‌دهد. اداره کردن هر جامعه به وسعت نظر و آزادی فکری نیاز دارد و این خصیلت‌ها با تعطیل و توقیف کردن روزنامه‌ها سازگاری ندارد.

از نوشته هر روزنامه به هراس افتادن نشانه سستی منطق، یا ناتوانی سیاسی و اجتماعی است و حکومت استوار نیاز ندارد که نسبت به هر نوشته‌ای این گونه واکنش‌های نسنجیده نشان دهد.

اگر نظام حکومتی به راستی مردم را پشتیبان خود میدانند و برای مردم قدرت درک قائل است باید بگذارد که مردم نسبت به روزنامه‌ها واکنش نشان دهند. وقتی مردم از خریدن و خواندن نشریه‌های خودداری کنند، بدان معنا است که آن نشریه تعطیل یا توقیف شده است و دیگر لازم نیست دفتر روزنامه‌ای را در دم ریزند یا گرداننده نشریه‌ای را دست و سر بشکنند.

اگر در مورد‌های خاصی هم بسیار ضرور باشد که روزنامه‌ای به جریان تعطیل و توقیف کشیده شود، این کار می‌باید با رعایت همه قانون‌ها و مقررات مربوط صورت گیرد و سلیقه‌ها و خواسته‌های مسئولان دولتی نباید بر سرنوشت روزنامه‌های کشور حاکم باشد.

هر روزنامه یک مرکز فرهنگی و فکری است و مسئولان دولتی که قدر و ارج فکری و فرهنگی آنها به درستی روشن نیست نباید بر این سرک‌ها سلطه یابند و هر گاه اراده کردند، آنها را به اضمحلال و فنا بکشانند.

هر روزنامه و هر نشریه با شیوه ویژه‌ی اداره میشود و تفاوت این شیوه‌ها یکی از زیبایی‌های آزادی است که سرانجام هم به رشد فکر و فرهنگ همگانی می‌انجامد.

در میان روزنامه‌ها و نشریه‌های هر کشور، آنان که طعم و رنگ طنز و فکاهی دارند، جایی والا و خاص خود دارند. این روزنامه‌ها را نباید به

برنده‌ترین سلاح همبستگی ملی بود بگونه‌ای که همه‌ی زنان و مردان ایرانی را زیر پرچم مبارزه با استعمار و استبداد بسیج کرد. حکومتگران می‌بایست باور می‌کردند که همبستگی ملی تنها در صورتی حاصل می‌آید که هیچ گروهی در صدد آن نباشد تا اندیشه‌ها و خواسته‌های خود را بر دیگر گروه‌ها تحمیل کند زیرا مفهوم همبستگی ملی این نیست که همه گروه‌ها از یک گروه پیروی کنند، بلکه گرد آمدن بر محور خواسته‌های همگانی و همکاری و همگامی در به کرسی نشاندن آن خواسته‌ها معنای واقعی همبستگی ملی است.

نگاهی به مجموعه‌ی عملکردهای دولتمردان این افسوس بزرگ را در پی دارد که در آسیب رساندن به روحیه همبستگی ملی بیش از همه، آنها گناهکارند.

زیرا به انحصارگری و خودمحموربینی بعد‌های تازه‌ای افزودند و نمونه‌های تلخی بار کردند و باور ناب مردم را از این رهگذر دچار تزلزل و تردید ساختند.

و مردمی که با در بند کشیدن دیو خودسری، لزوم دخالت در سرنوشت خود را از راه آزادی اندیشه و گفتار و نوشتار و حق رأی، بارها و بارها با صدای رسا اعلام داشته بودند با بهتزدگی تماشاگر صحنه‌هایی از پایمال کردن حقوق فردی و اجتماعی و دخالت‌های زشت دولتیان و دستیارانشان در انتخابات شدند! مردمی که آرزوهای زیبایی در جهت گسترش رفاه و توزیع عادلانه امکانات در سر می‌پروراندند و صمیمانه و با احساس مسولیت می‌خواستند بوسیله‌ی نهادهای مردم سالارانه در اداره امور جامعه دخالت داشته باشند و در سایه‌ی نظم ملی به بازسازی میهن سوخته‌ی خود پردازند در برابر رفتارهای نادرست و یکسکه‌تازانه‌ی دست‌اندرکاران حکومت بسختی نگران و آشفته شدند.

پافشاری برخواست‌های حزبی و فردی با دست‌بندی کردن و مارک زدن چهره‌ی پاک انقلاب بهانه‌های کوچک یا حتی بزرگ به تعطیل و توقیف کشاند و باید فرصت داد که اینگونه نشریه‌ها در جریان زندگی خود تکاملی بیابند و به رشد ذوق سیاسی و اجتماعی مردم یاری دهند.

عمل وزارت ارشاد در فراهم آوردن زمینه تعطیل و توقیف بیست روزنامه و نشریه با موازین قانونی منطبق نیست و براساس قانون مطبوعات، تعطیل و توقیف کردن روزنامه‌ها، می‌باید از راه‌های خاص و با پیمودن تشریفات قانونی مشخص صورت گیرد که روشن نمی‌باشد درباره روزنامه‌ها و نشریه‌های به توقیف افتاده چگونه عمل شده است.

از میان نشریه‌های توقیف و تعطیل شده هفته نامه بهلول که شیوه نگارش فکاهی دارد شکوایتهای به دادستان کل کشور داده و رونوشت آن را همراه با کاریکاتوری به دفترنامه آرمان ملت فرستاده است.

انتظار می‌رود با رسیدگی‌های قانونی به هفته نامه «بهلول» و دیگر نشریه‌هایی که با توجه به جدول ارزشهای انقلاب اسلامی ملت ایران صلاحیت لازم را دارند اجازه انتشار داده شود.

پافشاری در ایجاد تشنج

دولت را بروشنی بر شمارند و انتقادهای سازنده‌ای پیرامون آنها داشته باشند؟! واگر در جریان انتخابات مردم نتوانند از دولت و حزب حاکم انتقاد کنند و ناآگاهی‌ها و ناتوانی‌های آنها را بازگو کنند، دیگر آزادی انتخابات چه معنایی می‌تواند داشته باشد.

آیا نباید جریان انتخابات پویاترین و شورانگیزترین صحنه‌ی سرخورداندیشه‌ها و بررسی عملکردها باشد؟! در حالیکه یک انتقاد کوچک در پوشش تفرقه افکنی مورد سخت‌ترین حمله‌ها قرار می‌گیرد، کدام ساده اندیشی باور تواند کرد که انتخابات جز بازی تازه‌ای برای بدست آوردن قدرت بیشتر میتواند باشد؟! آیا در شرایط کنونی انتخابات جز ادامه‌ی روش انحصارگری و گسترش آن نیست؟! و آیا شکیبایی مردم را در تحمل ناروایی‌ها مرزی است که تا بی‌نهایت ادامه دارد؟! آیا دولتمردان باور ندارند که ایرانیان به علت حضور دشمن در سرزمین خویش اینهمه شکیبایی گذشت از کنار رویدادها می‌گذرند؟! نظری گذرا به آگاهی‌هایی که وزارت کشور تاکنون پیرامون چگونگی انتخابات میان دورهای در اختیار مردم گذاشته، این نتیجه‌ی تلخ بدست می‌آید که کانون انحصارگری با استفاده از شرایط پدید آمده از جنگ به اغتنام فرصت پرداخته تا بدون برخورد به ایستادگی بر شمار نمایندگان هوا دار خود بیفزاید و بطور عملی مجلس را بیش از پیش در راستای هدفهای خویش سوق دهد.

کوتاه سخن، انجام انتخابات از نظر مردم در جو کنونی جز تکامل روند انحصارگری معنا و مفهوم دیگری ندارد و از این رهگذر بیش از پیش «همبستگی ملی» آسیب می‌بیند.

گرچه مردم بزرگوارانه همه تلخکامی‌های ناشی از حکومت انحصارگران را بخاطر درگیری در «نبرد میهنی» تحمل کرده‌اند ولی این شکیبایی را حدی است و بدایحال انحصارگران اگر این ظرف سرریز گردد!! کاش بجای آوازه گری‌های رنگارنگ و فریفته شدن به شعارهایی بدور از واقعیت لحظه‌ای مدار گزاران بخود آیند و صدای فرو ریختن داربست‌های زیر پای خویش را بشنوند و بیش از این با آتش پر شعله‌ی باورهای مردم بازی نکنند که خطر سخت در کمین آنهاست!!

پافشاری در ایجاد تشنج و کدر ساختن انتقاد حتی در چارچوب سود و سربلندی اجتماع به ضدحکومت بودن و سهم‌طلبی از بساط قدرت تعبیر گردید! انحصارگران با کاربرد روش‌های ضد مردمی هر روز جامعه را برغم احساس مسولیت در نگهداشت نظم به دلیل وجود دشمن در تار و پود زندگی ملی، بیشتر به واکنش تشویق کردند و با تقویت عنصر شناخته شده و نفرت‌انگیز، چماق‌داری بر خشم مردم افزودند و آشفته‌گی را دامن زدند.

با اینکه زمانهای بسیار گرانبهائی از کف رفته در برابر نابسامانی‌های اجتماعی هنوز تنها یک راه‌حل مانده و آن شرکت دادن همه‌ی مردم و همه‌ی گرایش‌ها و همه‌ی عقیده‌ها در کار سازندگی ایران است.

به دیگر سخن، ایجاد زمینه‌ی اندیشه و عمل برای همگان تنها راه از میان بردن ناباوری است که می‌رود بر تمامی ذهن‌ها بنشیند و مردم آگاه را به گوشه‌ی انزوا و بی‌تفاوتی کشاند.

باز گشتی کوتاه به گذشته و نگاهی گذرا به رویدادها، نمایشگر روند ناخوشایندی است که با دریغ بر تمامی نهادهای اجتماعی حکومت می‌کند.

از نیروی جاذبه‌ای که دوازدهم فروردینماه ۱۳۵۸ همگان را به پای صندوق‌های رأی کشانید تا پیروزی حق بر باطل را تأیید کنند، به دلیل زشتکاریها و دخالت‌های ناروا، پایمال کردن آزادیهای فردی و اجتماعی و گسترش دامنه‌ی انحصارگری، هر بار بیش از پیش گام‌ها برداشته شد بگونه‌ای که خود دولتمردان ناگزیر به سیر نزولی میزان رأی در انتخابات‌های بعدی اذعان نمودند!

در این میان انتخاب نمایندگان مردم در نخستین مجلس قانونگزاری از کمترین شمار شرکت کننده برخوردار بود!

چگونگی برگزاری انتخابات بسیاری از امیدها را بر باد داد و مردمی را که با یکپارچگی در نخستین همه‌پرسی شرکت نموده بودند دچار دل‌سردی و پژمردگی ساخت و بازی‌های زشت سیاسی در نظرشان بگونه توطئه‌ای علیه تداوم انقلاب رخ نمود.

بانگ اعتراض آنها نیز برغم اینکه هیأتی برای رسیدگی به تقلب‌ها و تخلف‌ها برگزیده شدند، با سرهم بندی وقت گذرانی روبرو گردید و به نتیجه‌ی امید آفرینی نرسید. بدینگونه سرنوشت مردم بازپچه، قدرت طلبی گروه‌های فرصت طلب گردید و بجای آنکه نخستین دوره مجلس قانونگذاری نماینده همه حزبها و سازمان‌های سیاسی کشور بوده و آئین‌های تمام نمای همه‌ی گرایش‌های فکری هوادار انقلاب اسلامی ملت ایران باشد بگونه‌ی نهادی تک بعدی و یکلی بریده از اجتماع درآمد.

این مجلس که می‌بایست جدول ارزشهای انقلاب را استوار کند، استقلال ملی را تأمین و آزادی‌های فردی و اجتماعی را تضمین نماید و عشق به نظم و کار را در مردم برانگیزد و دستگاه اجرایی را در جهت سامان بخشیدن به اقتصاد از هم

از نامه‌های رسیده

قانونی فوراً رسیدگی شود و یا اینکه هیئتی مرکب از فرهنگیان که بیش از بیست سال در این شهرستان سابقه خدمت دارند یا گروهی از روحانیون و معتمدین شهر تشکیل تا بوضع هر یک از ما و حتی گروه پرونده ساز رسیدگی نموده حقیقت امر روشن گردد و بیش از این سرنوشت ما تا تصویب لایحه باز سازی که لابلای آن شاید بشود راهی برای مجازات‌آمان کشف کنند این چنین بازی نشود به امید عنایات کریمانه امام امت.

همرزم ارجمند مهدی بهشتی تهرانی
با اندوه فراوان درگذشت مادر گرامتانرا تسلیت میگوید

شورای پیشه‌وران سازمان شهرستان تهران
حزب ملت ایران

همرزم ارجمند نعمت حاجی رضانی
باندوه فراوان درگذشت فرزندتانرا تسلیت میگوید

شورای کارگران سازمان شهرستان تهران
حزب ملت ایران

از نامه‌های رسیده

اداره روابط عمومی دانشگاه اصفهان

طی نامه‌ای در پاسخ مطالب مندرج در صفحه آخر شماره ۴۵ «نامه آرمان ملت که در رابطه با دانشگاه اصفهان میباشد به فرستادن اعلامیه صادر شده از سوی «مدیریت دانشگاه» خطاب به همکاران خود مبادرت کرده و طبق قانون مطبوعات خواستار چاپ آن گردیده است با یاد آوری این نکته که نوشتار مورد استناد طوماری به امضای دویست و بیست تن از اعضای هیئت علمی دانشگاه اصفهان به گونه داد خواهی از حضور «رهبر انقلاب» بوده که دستور رسیدگی به آن نیز داده شده است وانجام خواسته «اداره روابط عمومی دانشگاه اصفهان» نیز بهیچوجه الزام قانونی ندارد. از درج اعلامیه فرستاده شده خودداری میگردد

آقای هاشم مظه‌ری از شاهرود

نامه‌ی مهر آمیز و پر شور که برای شورای نویسندگان آرمان ملت فرستاده نوشته است «نوروزتان پیروز، دشمنانتان سیه روز».

در هنگامی که باید روح میهن دوستی را در مقابله با دشمن تقویت کرد، عده‌ای بی‌فرهنگ می‌کوشند تا روح میهن دوستی را از تار و پود جوانان ما بزایند.

در زمانی که هر وقت پیچ رادیو تلویزیون باز می‌شود، گویندگان، به قهرمانان ملی ما دشنام می‌دهند.

در بحبوحه رواج دکان تزویر و واژگونه جلوه دادن حقایق که نتیجه آن بی‌تفاوت شدن جوانان و گم شدن شخصیت آنان می‌باشد، در گیروداری که روزنامه آرمان ملت به علت انتشار اشعار حماسی مورد بازخواست وزارت فحیمه «ارشاد، اسلامی» قرار می‌گیرد و تهدید می‌شود.

در روزگاری که بعضی رجال سیاسی و فرهنگی عمق فاجعه را درک می‌کنند ولی برای حفظ مقام سکوت کرده و نان را به نرخ روز می‌خورند. بر شما شورای نویسندگان آرمان ملت درود که با تمام خطرات دفاع از ایران و ایرانی را به عهده دارید بر شما درود که از کوچکترین فرصت برای اعتلای عظمت ایران عزیز استفاده کرده و با اشعار حماسی دل‌غمگین میهن دوستان را شاد می‌نمائید، مام

میهن از شما شاد باد!!
این نامه «با درود فراوان به رزمندگان نبرد میهنی» پایان گرفته است.

گروهی از دبیران و آموزگاران آماده به خدمت شهرستان بروجرد

طی شکوایه‌ای که به «پیشگاه مبارک امام امت» نوشته و رونوشت آنرا برای ریاست جمهوری و دیگر کاربدستان کشور و بعضی نمایندگان مجلس فرستادند چنین آورده‌اند: «چون بنا به رای کمیسیون اصل ۹۰ از ۱۳۵۹/۶/۶۱ با کسب رای تحت‌الرعنا و بدستور هر مقام اجرائی مطلقاً منع شده لذا احکامی که پس از این تاریخ با عنوان بی مورد آماده بخدمت صادر گردیده مستند قانونی نداشته و بی اعتبار است و چون تاریخ اجرائی این احکام ۱۰ آبانماه و تاریخ صدور ۲ دیماه قید و در ۱۱ بهمن ماه ابلاغ شده است این نحوه عمل نیز تخلف و تقلب تلقی میگردد و نظر باینکه تاکنون بشکایات حق طلبانه مسائلی نشده خواهشمندم خواسته‌های ماباره متصدیان مربوط یادآور و انجام آنها را خواستار شوید.

۱- باتوجه باینکه برابری صریح قرآن دادن لقب ناپاک به یک مسلمان جایز نیست و باتوجه باینکه احکام بااصطلاح پاکسازی علاوه بر بدنام کردن افراد و بی‌بهره‌سازی ساختن تجربیات و تخصص شغلی آنان مجازات با کسر حقوق و مزایا نیز میباشد و با اصول ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی مغایر است لذا لغو فوری این احکام بمنزله احترام متولیان و متصدیان مسئول به قانون اساسی و قوانین جاری مملکت است زیرا رفتار آنان قطعاً سرمشق مردم خواهد بود و حکومت قانون استقرار خواهد یافت.

۲- باینکه عملکرد افراد در جریان و پس از پیروزی انقلاب در جهت هم آهنگی و فاداری به مبانی و اهداف جمهوری اسلامی میباشد مدنظر باشد معذالک هیچیک از ما و بسیاری دیگر از کسانی که به اصطلاح پاکسازی شده‌اند در گذشته و حال در گروههای ضد مذهب، ضد جمهوری اسلامی، ضد انقلاب نبوده فساد اداری و اخلاقی هم نداشته‌ایم و بجمده از تعاملات و ایستادن مان مستحکم

اسلامی برخوردار هستیم، اما نمیدانیم با وارد ساختن چه اتهاماتی حیثیت و سوابق خدمات ما ملعبه دست گروهی مغرض که تحت تاثیر ضد انقلاب بوده و با اعمال تبعیض پرورنده سازی کرده‌اند واقع شده برای هر یک از ما چه گور کهنه‌ای شکافته یا چه نقطه ضعیفی تراشیده‌اند تا اینکه پنهانی بدون حضور هر یک از ما محاکمه و بدون داشتن حق دفاع از خود محکوم و حکم محکومیت دریافت داشته‌ایم لذا پیشنهاد می‌کنم یا پرونده هر یک از ما بیک دادگاه ذیصلاح ارجاع و برابر موازین شرعی و بقیه در صفحه هفتم

«آواز»

من در میان خیل هزاران «تن»

بیداری زمانه‌ی خود را

آواز می‌دهم

فریاد می‌کنم

در جاری تپنده‌ی تاریخ

شب جاودانه نیست!

ره بی‌کرانه نیست!

لبریز از امید

از لحظه‌ی سپیده دمان مژده می‌دهم

فریاد می‌کنم

جاریست آفتاب

در خون تپیده شب

از جا جهیده خواب

۱۷ اسفند ۱۳۵۹ - پروانه

نکته‌ها

معرفی انقلاب یا...؟!

حتماً میدانید که هیئت‌های اعزام شده از سوی شورای تبلیغات اسلامی به چهار گوشه‌ی دنیا همگی سلامت به پایگاه خود! مراجعت کرده‌اند و پس از رفع خستگی یکی یکی مشغول نوشتن و چاپ کردن گزارش سفر و کارنامه و دیده‌ها و شنیده‌ها و کرده‌های خود در روزنامه‌ها هستند.

اما یکی از این فرستادگان!! علاوه بر گزارش سفر خود و هیئت همراه به ایتالیا، برسم نویسندگان خیلی روشنفکر، شرح مختصری هم از هیئت هیئت همراه نگاشته‌اند که نقل آن بدون هیچگونه توضیحی، بی ضرر نیست!!

«..... افراد هیئت را در برابر مجسم می‌کردم بالباس‌های ساخت مارکس اسپنسر و کراوات سولکا و چهره‌های سرخ و سفید و اندام چاق و هیکل‌دار و دکمه‌های طلائی سردست و کیفهای رمزی و آن دم و دستگاهها.

بالاخره گفتم افراد هیئت بیایند منزل تاباهم گفتگو کنیم و هماهنگی و مذاکره و از این چیزها!!) گوشم به زنگ بود و چشمم بدر، بالاخره آمدند، سلام علیکم! چشمانم در حدقه چرخید و دهانم بازماند.

حسن بالباسی پاره‌پاره‌ی سرخ و انبوه و شلوارش بدور پایش پیچیده شده بود..... ایشان نماینده کارگران بودند و عضو هیات.

منوچهر قدی بلند داشت و سیلیلی پرپرشت و از همان لباسها، تحصیلاتی عالی داشت و از دانشجویان پیرو خط امام، رسول جوانی چاق و خوشحال و در عین حال مودب و پرکار.

کت و شلوار چرمی و بی اتودربرش بود و.....
آقای مبلغ فوق لیسانس بود باریش مثل پسر زاغ و از همان کاپشن‌های کهنه پوشیده بود.....
..... و این‌ها هستند هیاتی که برای معرفی انقلاب بخارج از کشور میروند.....»

اندر اثرهای بغشنامه نخست‌وزیر؟؟

دوستی میگفت بغشنامه نخست‌وزیر به کارمندان دولت که بیشتر تکیه آن روی بالا بردن کارائی و جلوگیری از حیف و میل بیت‌المال و راه انداختن کار مردم بود، در خیلی از ادارها نتیجه‌ی وارونه داشته است.

باین ترتیب که تعدادی از کارمندان برای اجرای ماده پنجم به اطاقهای دیگر کارمندان میروند و سعی در پائین کشیدن و پاره کردن عکسهای دارند که بزعم آنها، مورد اشاره نخست‌وزیر بوده است.

همین موضوع، لزوم سرکشی دیگر کارمندان را به اطاقهای کارمندان دسته نخست ایجاب کرده و در عمل مراجعه کنندگان!! یا با اطاقهای خالی روبرو میشوند یا با کارمندانی که در اثر جنگ و نزاع و جروبخت بر سر عکسها، دیگر نیرویی برای انجام کار ندارند!

نتیجه همگاری و صبر انقلابی؟!

گاهی وقتها یک عمل مثبت انقلابیکه بطور طبیعی باید نتیجه مثبت داشته باشد بخاطر حسن‌نیت خیلی زیاد!! دست اندرکاران نتیجه منفی ببار می‌آورد.

برای مثال «صبر انقلابی» که از واژه‌های خیلی رایج بعد از انقلاب بوده، باعث شده است که بسیاری از طرحهای عمرانی دچار توقف شود و شاهد این ادعا، اظهارات سخنگوی دولت در مراسم نماز جمعه هفته گذشته است:

«..... دیگر اینکه پنجاه و دوونیم میلیارد تومان هم در سال گذشته کسر بودجه داشتیم که با حساب یکصد میلیارد تومان کسری فروش نفت و بیست درصد افزایش هزینه، جمعا

از خبرهای هفته

اطلاعیه رئیس جمهوری و فرمانده کل قوا

ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس جمهوری و فرمانده کل قوا طی اطلاعیه‌ای از کلیه ارگانهای رسمی خواست که اخذ تصمیم پیرامون مسائل جنگ و دفاع را به شورایی عالی واگذار نمایند.

در این اطلاعیه آمده است:

«لازم میدانند به کلیه ارگانها، وزارتخانه‌ها، نهادها و سازمانهای مربوطه دولتی و رسمی یادآور شود کلیه فعالیتهای تبلیغاتی، نظرات، پیشنهادات و طرحهای سیاسی درباره جنگ تحمیلی و هرگونه اقدامی در این زمینه که به نحوی از انحاء در جهان بازتاب داشته باشد، باید در شورایی عالی دفاع طرح تا پس از تصویب بسوسله فرماندهی کل نیروهای مسلح ابلاغ و با اجرا گزارده شود.»

تلگراف حضرت حجت‌الاسلام شیخ علی

تهرانی

حضرت حجت‌الاسلام شیخ علی تهرانی در مورد دادرسی عباس امیرانتظام، در تلگرافی که به رئیس جمهوری مخابره کرده ضمن برشمردن مسوولیتهای رئیس جمهور و اینکه وی باید پشتیبان آزادی و حرمت اشخاص باشد، اظهار داشته است:

«محاكمه آقای امیرانتظام از جهات متعددی که از بینش شما بدور نیست، برخلاف قانون اساسی است و حتی اصل قضیه هم، چنانکه دانشمند محترم جناب آقای مهندس مهدی بازرگان مکرراً در رادیو و تلویزیون و فرصتهای دیگر گفته و امضا نموده، در رابطه با دولت موقت و شورای انقلاب است و در مدارک جعلی یا غیرجعلی که از لانه جاسوسی بدست آمده، اسم دیگران هم که امروز عوامل اصلی محاکمه‌کننده وی هستند آمده و شرکتشان در تماس، یقینی و حتی مورد تصدیق خدشان

در مصاحبه‌ها و سخنرانیهایشان هست.»

در این تلگراف وی از رئیس جمهور خواستار مداخله و نشر جریان محاکمه از طریق رادیو تلویزیون گردیده است.

تصویب لایحه تشکیل بنیاد امور

جنگزدگان

هیئت دولت در جلسه روز شنبه این هفته لایحه تشکیل بنیاد جنگزدگان را که توسط میرسلیم، معاون وزارت کشور ارائه شده بود، پس از بررسی‌های لازم تصویب کرد.

گفته میشود این لایحه با قید دو فوریت تقدیم مجلس خواهد شد.

دادگاه امیرانتظام به عقب افتاد

روابط عمومی دادستانی انقلاب اسلامی مرکز اعلام کرد که چون ترجمه سندها باید بوسیله دوفتر که مورد اطمینان و اعتماد دادگاه باشند گواهی شود، و این امر به چند روز فرصت نیاز دارد، ادامه‌ی دادرسی به بعد موکول میگردد.

محکومیت حاکم شرع سابق شهر کرد

دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان بعد از رسیدگی به پرونده اتهامی سید مجتبی موسوی، حاکم شرع سابق شهر کرد، نامبرده را با تصویب شورایی قضائی کشور به خلع لباس، استرداد وجوه دریافتی از متهمان و چهارسال زندان تأدیبی محکوم کرد.

حاکم شرع سابق شهر کرد به سوءاستفاده از مقام قضات، ایراد ضرب نسبت به جمعی از متهمان، فروش چند قبضه اسلحه‌ی شکاری متعلق به دادسرای انقلاب و تخلف از موازین قضائی اسلام متهم شده بود.

بزرگداشت روز جهانی تئاتر

بمناسبت روز جهانی تئاتر، که مصادف با بیستم فروردین میباشد، مرکز ملی تئاتر ایران، وابسته به کمیسیون ملی یونسکو، از تمامی گروهها و دستاورد کاران تئاتر ایران دعوت کرده‌اند که برای بزرگداشت این روز برنامه‌هایی را تدارک ببینند.

یکصدوهفتاد و دوونیم میلیارد تومان کم داشتیم که دولت توانست با همکاری مردم و صبر انقلابی امت مسلمان ایران چهل میلیارد تومان از هزینه‌های عمرانی بکاهد و چهل و پنج میلیارد تومان نیز صرفه‌جویی کند.....»

چگونه میتوان از شر مزاحم‌های تلفنی

راحت شد؟

گفتم: شنیده‌ای که تلفن خانه استاد علی تهرانی را بدستور استاندار خراسان قطع کرده‌اند؟

گفت: بله، اما فکر می‌کنم این به نفع ایشان باشد.

گفتم: چطور؟

گفت: از شر مزاحم‌های تلفنی راحت میشود!!

سرنگون باد حکومت نژادگرای بعث عراق